

آغاز موج سوم بزرگ‌ترین مسابقه کتابخوانی کشور



نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از بی‌نیای سیاست‌ها رنج می‌برد؛
پنج گام حرکت؛
سه گام به جلو، دو گام به عقب

- یادداشتی پیرامون «تکثیر غیرقانونی کتاب» و «تکثیر کتاب غیرقانونی» / ۳
ترجمه حکیمانه و بومی‌سازی دانش / ۶
گزارش سومین نشست نمایشگاه کتاب مطلوب / ۹
گزارش سومین نشست نمایشگاه کتاب فرهنگی / ۱۳
نمایشگاه کتاب؛ این اتفاق عجیب فرهنگی / ۱۵
نیلی: ترکیب شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه را متوازن نمی‌دانیم / ۲۱
لذت مطالعه خندوانه‌ای با نرم افزار خط خوان / ۲۷
گزارش بیست و پنجمین نشست صبح ناشر / ۲۸
مسئله‌ای به نام «تکثیر و توزیع غیرقانونی کتاب» / ۳۳
ظرفیتی که تبدیل به تهدید شد / ۳۳

پرونده‌ای برای

تکثیر و توزیع غیرقانونی کتاب

صفحه ۲۸

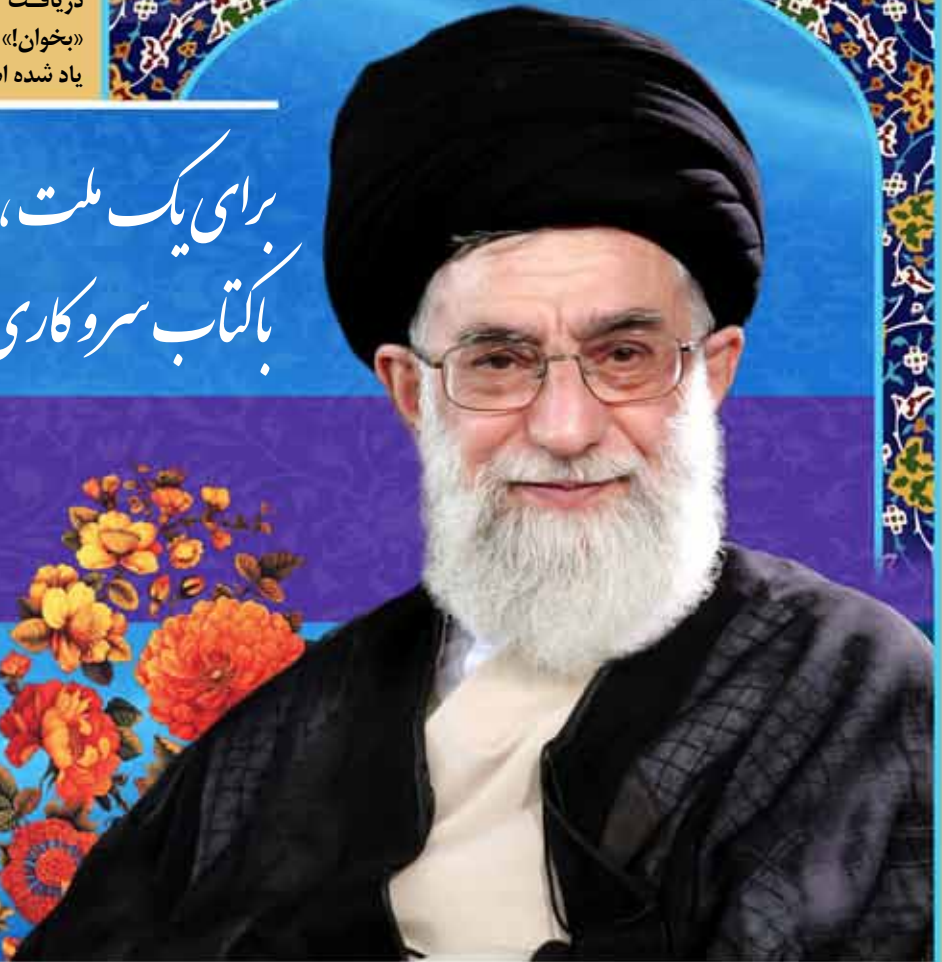
نمایشگاه فرانکفورت اولویت اصلی نشر ایران نیست

صفحه ۵

برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن، با کتاب سر و کاری نداشته باشند؛ و برای یک فرد، توفیق عظیمی است که با کتاب، مأنوس و همواره در حال بهره‌گیری از آن، یعنی آموختن چیزهای تازه، باشد. با این دیدگاه، به روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این است که: «بخوان!» و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند فرود آمده، نام قلم به تجلیل یاد شده است: «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»

برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن
با کتاب سروکاری نداشته باشند

سید علی حسینی



پیرامون «تکثیر غیرقانونی کتاب» و «تکثیر کتاب غیرقانونی»؛

درد را از هر طرف که بخوانی درد است

حسین شاهمرادی

این روزها، بیش از پیش، سخن از لزوم برخورد با تکثیرکنندگان غیرقانونی کتاب مطرح می‌شود؛ اتفاقی که طی سالیان اخیر، کام ناشران بسیاری را تلخ کرده است و ثمره کار و تلاش آنان را به تاراج برده است. این مسئله ابعاد گوناگونی دارد که نیاز است به همه آنها پرداخته شود.

زمانی که سخن از «تکثیر غیرقانونی کتاب» به میان می‌آوریم، در حقیقت از چند حالت صحبت می‌کنیم. حالت اول، زمانی است که ناشری کتابی را چاپ کرده است و به هر دلیلی آن کتاب با اقبال روبرو شده و از همین رو، افرادی با نیت سوءاستفاده اقتصادی، دست به تکثیر این کتاب، بدون اجازه ناشر زده و خود را در نفع حاصله از این کتاب سهیم می‌کنند. البته این اتفاق ناخوشایند همیشه با انگیزه اقتصادی

انجام نمی‌شود و در بسیاری از اوقات نیز حاصل عدم آگاهی‌های افراد جامعه است. به‌عنوان مثال، تکثیر بسیاری از کتاب‌های دانشگاهی که در واحد چاپ و تکثیر دانشگاه‌ها رخ می‌دهد، نه با انگیزه اقتصادی، بلکه به دلیل ناآگاهی اساتید و دانشجویان نسبت به وجوه شرعی و قانونی این کار است.

حالت دوم زمانی است که برخی افراد از فقدان نظارتی نظام‌مند از سوی متولیان امر، نهایت بهره را برده و کتابی را بدون ارائه به وزارت ارشاد برای دریافت مجوز، چاپ کرده و منتشر می‌کنند. این حالت و حالت‌های مشابه دیگر که در غالب آنها، انگیزه‌های اقتصادی در کنار انگیزه‌های پُرنرگ‌تر فرهنگی قرار می‌گیرند، بیشتر ذیل عنوان «تکثیر و انتشار کتاب غیرقانونی» جای می‌گیرند تا «تکثیر غیرقانونی کتاب».

در حالت سوم، برای کتابی که برای چاپ‌های مجدد به وزارت ارشاد ارائه می‌شود، ممیزی‌هایی در نظر گرفته می‌شود که ناشر بدون اعمال ممیزی‌های اعلام‌شده جدید، کتاب را با همان شناسنامه کتاب قبلی و با محتوای گذشته چاپ و توزیع می‌کند. در این حالت نیز، فقدان یک قوه نظارتی در حوزه کتاب، عرصه را برای این دست ناشران باز گذاشته است.

حالت چهارم نیز به نشر و توزیع کتاب‌هایی اختصاص می‌یابد که تحت عنوان «کتاب ممنوعه» از آنها یاد می‌شود و با گشت و گذاری در پیاده‌روهای خیابان انقلاب و نگاهی به بساط دستفروشان و حتی قفسه‌های کتابفروشی‌های رسمی می‌توان به مجموعه‌ای از آنها آشنا شد.

در مجموعه این حالات، که در برخی «حق‌الناس اقتصادی» غالب است و در برخی دیگر

«حق‌الناس فرهنگی»، کتب غیرقانونی به دو روش «توزیع کتاب فیزیکی» و «توزیع کتاب الکترونیک» در اختیار مردم قرار می‌گیرد که هر دو نوع این روش‌ها، هم از مجاری رسمی (اعم از کتابفروشی‌ها و سایت‌های مجاز) و هم مجاری غیررسمی (اعم از دستفروشان کتاب و سایت‌های غیرمجاز) به‌راحتی به انجام می‌رسد.

بخشی از این مشکل به دلیل عدم وجود یک معنای مشترک از «چاپ و تکثیر» در میان متولیان امر است. به‌عنوان مثال، هنوز معلوم نیست که وزارت ارشاد، به‌عنوان متولی اصلی این امر، «چاپ دیجیتال» را از مصادیق چاپ به حساب می‌آورد یا خیر و به تبع آن، بر آن نظارتی دارد یا خیر! چه‌بسا اگر «چاپ دیجیتال» را به‌عنوان یک مصداق مهم چاپ و یک ابزار مهم برای تکثیر غیرقانونی کتاب

در شمار آورند، لازم است هم بر «واردات» و هم بر «عملکرد» این دستگاه‌ها نظارت‌های نظام‌مند کارآمد اعمال شود.

از سوی دیگر، فقدان نظارت مکفی بر مجاری توزیعی رسمی و غیررسمی نیز وخامت امر را تشدید کرده است. وقتی که موزعان کتاب‌های غیرقانونی از عدم وجود اراده دستگاه‌های مسئول نسبت به این مسئله اطمینان حاصل می‌کنند، با فراغ بال بیشتری دست به این اقدام می‌زنند.

زمانی که گشتی در خیابان انقلاب می‌زنیم و می‌بینیم که دستفروشان این خیابان بساط خود را به شکلی «مستقر» پیاده کرده‌اند و حتی برای خود میز و صندلی هم آورده‌اند، ناخودآگاه متوجه می‌شویم که این دستفروشان اطمینان حاصل کرده‌اند که کسی با آنها کاری ندارد و نیازی نیست با حضور نیروهای ناظر وزارت ارشاد، بساط خود را برچیده و فرار کنند؛ یا زمانی که در یک کتابفروشی، یک کتاب غیرقانونی در قفسه یا ویترین قرار می‌گیرد، متوجه می‌شویم که آنها نیز ایمان دارند که فراتر از موضع‌گیری‌های رسمی متولیان امر، در عمل، قرار نیست با آنها برخوردی صورت گیرد. این در حالی است که نظارت بر «چاپ» و «توزیع» از وظایف ذاتی وزارت ارشاد است. البته در کنار وظایف ذاتی

زمانی که در یک

کتابفروشی، یک کتاب

غیرقانونی در قفسه یا

ویترین قرار می‌گیرد،

متوجه می‌شویم که آنها

ایمان دارند که فراتر از

موضع‌گیری‌های رسمی

متولیان امر، در عمل، قرار

نیست با آنها برخوردی

صورت گیرد. این در

حالی است که نظارت

بر «چاپ» و «توزیع»

از وظایف ذاتی وزارت

ارشاد است.

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب
شهریور ۱۳۹۴

ماراتن نابرابر تهران و فرانکفورت در جاده‌های پر پیچ و خم نشر

محمدصادق علیزاده



نمایشگاه‌های مطرح

کتاب دنیا برون داد

طبیعی صنعت نشر

حرفه‌ای‌شان و طبعاً در

فضایی مشابه دیار ما

که هیچ کدام از این

نهاده‌ها شکل نگرفته،

مقایسه نمایشگاه/

فروشگاه بین‌المللی

کتاب تهران با هم‌تایان

لندنی و فرانکفورتی و

امثالهم چندان درست

نیست.

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب
شهری

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

www.manashr.ir وب‌سایت صنعت نشر و کتاب

برای ادامه سال حبس می‌کند و در چرخه‌ای که نه تولیدش حرفه‌ای است و نه ناشرش حرفه‌ای و نه سیستم توزیعش، نه حلقه‌های کتابی و ادبی به آن معنا وجود دارند که مایه بازخورد آثار را فراهم آورند و نه سندی‌های حرفه‌ای و گسترده و قابل اتکا و نه سیستم توزیع و فروشی که مایه تزریق فرهنگ به جامعه از یک سو و تزریق مالی و اقتصادی به نشر از سوی دیگر را فراهم آورد، مشخص است که زور چپان کردن آن پیوست سوپر پروفیشنال بر این وضعیت کما گوئه، کاریکلماتوری مضحک خواهد بود که حتی به درد لبخند زدن هم نمی‌خورد! کمیت نشر ما حتی در بحث تقنین و بازار و مارکتینگ هم به شدت لنگ است. نمایشگاه‌های مطرح کتاب دنیا برون داد طبیعی صنعت نشر حرفه‌ای‌شان و طبعاً در فضایی مشابه دیار ما که هیچ کدام از این نهاده‌ها شکل نگرفته، مقایسه نمایشگاه/فروشگاه بین‌المللی کتاب تهران با هم‌تایان لندنی و فرانکفورتی و امثالهم چندان درست نیست. حوزه نشر در این دیار به هزار و یک دلیلی که مجال بحث و طرح آن فراهم نیست، قابل قیاس با صنعت نشر در بسیاری از ممالک این کره خاکی نیست.

بی‌مقدمه بروم سر اصل مطلب. نمایشگاه‌هایی مانند فرانکفورت که در دنیا برای خود عرض و آبرویی اندوخته‌اند و سهمی دارند در میان حرفه‌ای‌های حوزه نشر، پیش و بیش از آنکه «نمایشگاه» باشند و محلی برای «نمایش»، یک جور پیوست‌اند؛ پیوست حرفه‌ای صنعت نشر. اینها و هم‌تایان لندنی و الخ‌شان در یک وضعیت و شرایط خاص از صنعت نشر شکل گرفته‌اند که از لحظه تولید اثر از جانب نویسنده و مؤلف تا لحظه ارائه محصول به ناشر، همگی در پروسه‌های خاص و مشخص با قوه تقنینی مشخص‌تر، فضایی خاص و حرفه‌ای می‌سازند و نمایشگاه دقیقاً در چنین پروسه‌ای تعریف می‌شود و پیوست می‌شود به این فرایند حرفه‌ای. نمایشگاه در این وضعیت، دیگر محلی صرف برای «نمایش» نیست، بلکه ویتربینی خواهد بود از توانمندی‌ها و پرزنت‌ها و بازاریابی‌ها و الخ و دقیقاً از همین جایگاه است که قیاس کردن نمونه‌های وطنی مانند نمایشگاه بین‌المللی (!) کتاب تهران با هم‌تایان لندنی و فرانکفورتی و امثالهم غلط اندر اشتباه است. در صنعت نیمه‌جان نشر ما که به مدد تنفس مصنوعی‌های اردیبهشت ماه هر سال، نفس

وزارت ارشاد، اصناف نشری نیز نقش قابل توجهی می‌توانند و باید ایفا کنند. اتحادیه‌های ناشران و کتابفروشان در استان‌های مختلف اعم از قم، تهران، مشهد و ... باید این مسئله را جزء اولویت‌های اصلی خود قرار دهند، چرا که این مسئله جزء مطالبات اصلی ناشران بوده و هست. چه‌بسا لازم باشد اصناف از فعالیت‌های غیرضروری که وقت و انرژی صنف را گرفته و مانع از پرداختن به این مسئله مهم می‌شود، دست کشیده و به

این امر خطیر بپردازند. شاید کارهای دیگر را تشکلهای دیگر صنفی نیز بتوانند انجام دهند، اما این کاری است که فقط از دست اتحادیه‌های ناشران بر می‌آید.

اهمیت اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اتحادیه‌ها و تشکلهای نشری در تدارک قوه قاهره ناظره برای برخورد با این تخلفات، آنجایی بیش از پیش خودنمایی می‌کند که بدانیم بدون تردید در صورتی که این اقدام صورت نگیرد، دیر یا زود، ناشران و ذی‌نفعان به روش‌های دیگر و مراکز دیگری رجوع خواهند کرد که ممکن است موجبات گونه‌ای جدید از بی‌نظمی‌ها و یا نارسندی‌ها را پدید آورد.

فراتر از ضعف فرآیندهای نظارتی، عدم برخورد قاطع و

علیرضا اشتری؛

نمایشگاه فرانکفورت اولویت اصلی نشر ایران نیست



با نزدیک شدن به زمان برگزاری نمایشگاه فرانکفورت شاهد اظهار نظرهای متفاوتی درباره میزان اهمیت این نمایشگاه هستیم. به همین مناسبت، سراغ یکی از فعالان عرصه بین‌المللی کتاب رفتیم تا نظر او را در این باره جویا شویم. در حالی که بعضی از فعالان حوزه کتاب با ذوق زدگی از حضور ایران در این نمایشگاه صحبت می‌کنند، «علیرضا اشتری» با ارائه مقدماتی تأکید می‌کند این نمایشگاه اولویت نشر ایران نیست.

نشر ایران و به دو دلیل محتوایی و روشی، حضور در نمایشگاه فرانکفورت اولویت ناشران ما و به عبارت دقیق‌تر، اولویت بیش از ۹۰ درصد ناشران ما نیست. وی در توضیح روش برخورد با نمایشگاه فرانکفورت ادامه داد: حضور موفق در نمایشگاه فرانکفورت سازوکارهایی لازم دارد که مقداری از آن به ناشران برمی‌گردد و مقداری دیگر از آن به مدل حضور دولت‌ها و کشورها. متأسفانه ما هنوز این سازوکارها را نداریم و به قدر لازم برای حضور به صرفه و موفق در نمایشگاه کتاب فرانکفورت آماده نشده‌ایم. رویکرد حضور دولتی ما نیز رویکردی نیست که منجر به موفقیت حضور ناشران، نویسندگان و تشکل‌های کتاب در نمایشگاه فرانکفورت شود. مع‌الأسف حضور غالباً فرمالیته دولتی در فرانکفورت طی

بیست و پنج سال گذشته نیز منجر به نفع معنایی ننه برای ترویج نشر ایران، نه فروش آثار، نه اقتصاد نشر ایران نشده است. اشتری همچنین به دلایل محتوایی اولویت نداشتن نمایشگاه فرانکفورت اشاره کرده و چنین توضیح داد: محتوایی که ما در حوزه‌های مختلف کتاب به جهان ارائه می‌دهیم، مثلاً ادبیات داستانی و حتی ادبیات داستانی مدرن، چیزی برای ارائه به غرب ندارد، چون اغلب بیش از یک کپی سردستی متوسط و تقلید غیرهوشمندانه از آثار غربی نیست. اغلب این آثار را اگر ما بخواهیم در فرانکفورت به بازار جهانی ارائه کنیم، مانند این است که زیره به کرمان برده‌ایم. لذا ما مثلاً چون ادبیات داستانی بومی‌مان ضعیف است، چیزی برای ارائه در این حوزه به جهان نداریم. باقی موارد و

محتواها نیز به شرح ایضاً. نمایشگاه فرانکفورت یک نمایشگاه صد درصد تخصصی است و اگر مدل برخورد با این نمایشگاه چیزی غیر از این باشد، مانند این است که سنگی را در دریا پرتاب کرده‌ایم. چند درصد از ناشران ما توان این مدل رفتار را دارند؟ وی همچنین افزود: از طرف دیگر، آن آثاری که در ژانر دینی و انقلاب اسلامی نیز در ایران تولید می‌شود، چندان قابلیت فروش در بازار اروپا و غرب را ندارد. یعنی تفکری که پشت نمایشگاه فرانکفورت است یک ناهمخوانی با آن چیزی که ما عرضه می‌کنیم، دارد. مانند این است که شما بخواهید کیف چرمی خود را در نمایشگاه مواد غذایی عرضه کنید. اشتری دلیل دیگر ناکارآمد بودن نمایشگاه فرانکفورت برای

ناشران ایرانی را تحریم بودن ایران دانست و گفت: همان طور که مثلاً آنها از ما زعفران نمی‌خرند، همان طور که نفت نمی‌خرند، از ما کتاب هم نمی‌خرند. ما در آژانس ادبی که برای فعالیت جهانی کتاب تأسیس کرده بودیم، بیش از دویست نشست حرفه‌ای کار شده و تخصصی مذاکره اقتصادی کتاب برگزار کردیم و با این که کاملاً حرفه‌ای و درست هم رفتار کردیم و توانستیم در اغلب این نشست‌ها طرف مقابل را مجاب کنیم که از ما کتاب بخرد و طرف مذاکره هم ظاهراً قانع شد، ولی در پایان حاضر به خرید نشدند. یک دلیل اصلی‌اش هم فقط این بود که طرف قراردادشان ایرانی بود. وی تنها خاصیت رفتن ناشران ما به فرانکفورت را این دانست که رؤسای نشر ما بروند ببینند، چقدر از صنعت نشر عقب‌اند.

ما ساعت‌ها جلسه گذاشته‌ایم و کار کارشناسی میدانی و مطالعاتی و تجربه کرده‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که با این اوضاع نشر ایران و به دو دلیل محتوایی و روشی، حضور در نمایشگاه فرانکفورت اولویت ناشران ما و به عبارت دقیق‌تر، اولویت بیش از ۹۰ درصد ناشران ما نیست

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

کتاب
شهریور
۵

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

وبسایت: WWW.MANASHR.IR



ترجمه حکیمانه و بومی سازی دانش



محمد حقی

در مواجهه تفکر انقلاب اسلامی با سایر اندیشه‌ها، به راحتی می‌توان از اندیشه و آثار بسیاری متفکرین و نویسندگان که در برخی امور و مسائل با انقلاب هم‌راستا هستند، بهره لازم را برد و این مسئله نیز نیازمند ساماندهی یک جریان جدی و منسجم ترجمه در کشور است. محمد حقی: بدیهی است که تحولات فرهنگی و اجتماعی در یک جامعه بر مبنای اندیشه‌ها به وجود می‌آیند. نگاهی اجمالی به تاریخ تحولات فرهنگی و اجتماعی در ایران نیز نشان می‌دهد که کشور ما نیز از این قاعده مستثناء نیست و قوام یافتن اندیشه‌های گوناگون در دوره‌های متفاوت زمانی، مهم‌ترین تحولات تاریخی ما را رقم زده است. انقلاب اسلامی ایران، انقلاب مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و ... در تاریخ معاصر ما و حتی تغییر آرام سبک زندگی مردم، همگی رخدادهای مهمی هستند که بر مبنای یک

چارچوب اندیشه‌ای قابل ملاحظه به وقوع پیوسته‌اند. اندیشه‌ای که به صورت گفتمانی عمومی در اذهان مردم تسری می‌یابد و کنش‌های آگاهانه و ناآگاهانه آنها را شکل می‌دهد. اندیشه‌ها از مبادی و مجاری گوناگون و متنوع آشکار و نهان وارد یک جامعه می‌شوند و بلاشک یکی از مهم‌ترین این مبادی و مجاری، کتاب است؛ کتاب‌هایی که حامل گفتمان‌های گوناگون بومی و غیروبومی‌ای هستند که هر کدام نسخه‌ای برای سعادت جامعه می‌پیچند؛ کتاب‌هایی که خوشبختانه یا متأسفانه، بخش قابل توجهی از آنها حامل گفتمان‌های ترجمه‌ای و غیروبومی‌اند و تأثیرات عمیق فرهنگی این گفتمان‌ها در جامعه بر جای می‌ماند. آگاهی از تحولات سده‌ها و دهه‌های اخیر کشور به خوبی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از افکار و اندیشه‌ها تحت تأثیر جریان ترجمه و اندیشه‌های وارداتی به وجود

آمده و قوام یافته است. شاید یکی از بهترین مثال‌هایی که بتوان در این حوزه استفاده کرد، ظهور و تولد جریان روشنفکری در دویست سال گذشته در کشور باشد که تماماً تحت تأثیر اندیشه‌های ترجمه‌ای و افراد دلبسته و شیفته غرب رخ داد. ظهور گسترده تشکلات و جریان‌های مارکسیستی در نیمه اول قرن چهاردهم شمسی در کشور نیز شاهد مثال دیگری از اثرگذاری عمیق اندیشه‌های وارداتی و ترجمه‌ای است. حتی در دهه‌های اخیر، مباحثی همچون «توسعه»، «جهانی‌سازی»، «دموکراسی‌خواهی» و ... نیز غالباً متأثر از وارد کردن بسته‌های اندیشه‌ای ترجمه‌ای و غیروبومی بوده است. علاوه بر توجه به تحولات تاریخی و اندیشه‌ای، گشت و گذاری در کتابفروشی‌ها نیز به خوبی گویای توجه مخاطبان به آثار ترجمه‌ای است و این آثار قطعاً اثرگذاری خود را در سطوح و اشکال مختلف خواهند داشت. یکی از این آثار این است که به لطف جریان ترجمه، همواره

آگاهی از تحولات سده‌ها و دهه‌های اخیر کشور به خوبی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از افکار و اندیشه‌ها تحت تأثیر جریان ترجمه و اندیشه‌های وارداتی به وجود آمده و قوام یافته است. شاید یکی از بهترین مثال‌هایی که بتوان در این حوزه استفاده کرد، ظهور و تولد جریان روشنفکری در دویست سال گذشته در کشور باشد

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

کتاب
۶



می‌توان تصویر و شمایی از تحولات اندیشه‌ای جهان را در کشور داشته باشیم و فی‌الواقع در جریان مآل‌های جهان اندیشه باشیم. البته این مسئله تیغی دولبه است و همان‌طور که می‌تواند ما را از آنچه در میان سایر ملل و اقوام در جریان است، مطلع کند، می‌تواند پرده بی‌خبری و بی‌اطلاعی از آن را نیز جلوی چشمان ما بکشد. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که ترجمه با نگاهی «گزینشی» انجام شود و اندیشه‌ای که در «بخشی» از عرصه بین‌الملل در حال بروز و ظهور است، به‌عنوان اندیشه رایج جهان به جامعه تزریق شود و سایر اندیشه‌ها مغفول واقع شوند. به این معنا که آنچه ترجمه شده و به‌عنوان «اندیشه رایج» به جریان فکری کشور تزریق شده است، تنها بخشی از واقعیت فکری موجود در جهان است، نه همه و نه حتی الزاماً جریان فکری غالب! یک مثال تاریخی این مسئله را به‌خوبی روشن خواهد کرد.

بسیاری از حرکت‌های تأسیسی و ابتدایی در حوزه ترجمه

کتاب در ایران توسط مؤسساتی شکل گرفت که وابسته به جریان پهلوی و عموماً دارای تفکرات لیبرالیستی بودند؛ مؤسساتی همچون «بنگاه نشر و ترجمه» و «مؤسسه فرانکلین» و هشت ناشری که به تعبیر مرحوم «جلال آل‌احمد» در سایه «مؤسسه فرانکلین» رشد می‌کردند. این مؤسسات مسئول وارد کردن آثار هم‌راستا با تفکرات لیبرالیستی در ایران بودند و طبیعی است که جریان قوی ترجمه ایران نیز بر مدار این تفکرات و دغدغه‌ها شکل گرفت.

نکته قابل توجه در این میان این است که مؤسساتی همچون فرانکلین در دوره جنگ سرد، اساساً مأموریت توسعه ادبیات لیبرالیستی در جهان سوم و کشورهای درحال توسعه را داشتند و اهمیتی جدی در این امر به‌کار می‌بستند و توفیق‌هایی را نیز داشتند. جالب آنکه بزرگ‌ترین پروژه‌ای که مؤسسه فرانکلین در سراسر جهان اجرا کرد، در سایه حمایت‌های رژیم پهلوی، در ایران اجرا شد که شرح و بسط آن در این مقال نمی‌گنجد.

از همین رو، طبیعی است که از آنجایی که اولین اقدامات تشکیلاتی گسترده در حوزه ترجمه در ایران توسط این گروه از ناشران صورت گرفت، بافت اصلی ترجمه نیز با محوریت آثار لیبرالیستی شکل گرفت و این

جریان سال‌ها جریان غالب ترجمه کشور بود.

از سوی دیگر، در مقابل این جریان، جریان ترجمه دیگری در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به‌وجود آمد که ترجمه آثار متفکرین اسلامی را در دستور کار خود قرار داده بود. نشر آن آثار، به‌خوبی نشان داد آنچه که تا آن روز توسط جریان غالب ترجمه کشور به بدنه جامعه تزریق می‌شد، تنها «بخشی» از مآل‌های آن سوی مرزهاست و از قضا، متفکرین جدی‌ای در بیرون از کشور وجود دارند که به لحاظ فکری، در نقطه مقابل این جریان لیبرالیستی قرار دارند و تا آن روز قربانی نگاه «گزینشی» به ترجمه شده بودند و صدایی از آنها در کشور شنیده نمی‌شد. ترجمه این آثار می‌توانست افق‌های جدیدی را فراوری علاقمندان کتاب و تفکر باز کند.

در آن دوران، عناصر انقلابی همچون «سید علی خامنه‌ای»، «سید محمد خامنه‌ای»، «اکبر هاشمی‌رفسنجانی»، «سید هادی خسروشاهی» و ...، کتاب‌هایی را از «سید قطب»، «محمد قطب»، «اکرم زعتیر» و سایر اندیشمندان ترجمه کردند که این کار جریان گسترده‌ای را از آثار انقلابی دیگر نقاط جهان در ایران منعکس کرد و تأثیرات قابل‌ملاحظه‌ای بر جریان انقلابی آن دوران برجای گذاشت. آثار ترجمه‌شده توسط این عناصر، در میان مبارزان

آنچه در جریان ترجمه دهه چهل و پنجاه شمسی و قبل از آن رخ داد، گواه خوبی بر این مسئله است که اولاً نگاه «گزینشی» به ترجمه می‌تواند ابزاری در دست جریان سلطه، برای رهنمون کردن جامعه به سمت شقاوت باشد، ثانیاً توجه به ظرفیت‌های اندیشه‌ای در سایر نقاط جهان می‌تواند افق‌های جدیدی فراوری یک جامعه باز کرده و به تولید علم و دانش در درون کشور نیز کمک کند

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴
کتاب
۷

انقلابی آن روز دست‌به‌دست می‌شد و جریان انقلابی را تقویت می‌کرد.

آنچه در جریان ترجمه دههٔ چهل و پنجاه شمسی و قبل از آن رخ داد، گواه خوبی بر این مسئله است که اولاً نگاه «گزینشی» به ترجمه می‌تواند ابزاری در دست جریان سلطه، برای رهنمون کردن جامعه به سمت شقاوت باشد، ثانیاً توجه به ظرفیت‌های اندیشه‌ای در سایر نقاط جهان می‌تواند افق‌های جدیدی فراروی یک جامعه باز کرده و به تولید علم و دانش در درون کشور نیز کمک کند و ثالثاً از آنجایی که مترجم غالباً به ترجمهٔ آثاری مبادرت می‌ورزد که مورد علاقه و مطلوب او و متناسب با جهان‌بینی و ایدئولوژی اوست، برای تقویت گفتمان انقلابی، باید به پرورش مترجمین قوی با علایق و نگاه‌های انقلابی دست یازید.

اگرچه برای روشن شدن این موضوع از یک مثال تاریخی استفاده کردیم، این مسئله امری تاریخی نیست و در حال حاضر نیز در جامعهٔ ما وجود دارد؛ چه بسا توجه به این امر، امروز، از جهاتی اهمیت بیشتری نیز دارد. لذا برای تقویت جریان فکری داخل و همچنین جلوگیری از آفات نگاه «گزینشی» به ترجمه، می‌بایست با نگاهی راهبردی به سمت ترجمهٔ هدفمند و عالمانه حرکت کرد.

البته تلاش برای خودبستگی جریان دینی و انقلابی و تکیه به خود در تولید علم و دانش بومی و کتاب، برکات فراوانی دارد و منجر به تکاپوی گسترده در حوزهٔ تولید دانش شده و خواهد شد، ولی با این وجود باید توجه داشت که ناگزیر تعداد اندیشمندان و نویسندگان ایرانی در مقیاس با اندیشمندان و نویسندگان جهان ارتباطی نزدیک با نسبت جمعیت ایران به جمعیت جهان دارد؛ یعنی حدوداً یک‌صدم! بنابراین حتی در صورتی که برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای هم در حوزهٔ تولید دانش در کشورمان انجام شده و در این مسیر از ظرفیت همهٔ اندیشمندان داخلی نیز بهره برده شود، همچنان این جمعیت به لحاظ کفی ظرفیتی بسیار محدود برای تولید دارد و بیش از آن هم نمی‌توان توقع داشت. این در حالی است که در میان اندیشمندان غیرایرانی، افرادی یافت می‌شوند که آثاری هم‌راستا با گفتمان انقلاب اسلامی تولید کرده‌اند و از قضا، تعداد آنها کم هم نیست. قطعاً سرمایه‌گذاری بر روی ترجمه و عرضهٔ این نوع از آثار می‌تواند این شکاف کفی را پر کند.

حتی برخی آثاری نیز که در نگاه اول، تعلقش به پایگاه گفتمانی انقلاب اسلامی ندارند، قابلیت این را دارند که در جهت تقویت ارزش‌های انقلاب به خدمت گرفته شوند، چرا که متن در «زمینهٔ متن» (context)

معنا پیدا می‌کند و نمی‌توان بی‌توجه به زمینهٔ یک متن، فهم درستی از آن نوشته داشت و یا حتی نسبت به آن داوری کرد. لذا می‌توان با قرار دادن متون در زمینه‌های درست، بهرهٔ کافی و وافی را بُرد. به‌عنوان مثال، کتابی دربارهٔ آمریکا و تاریخ پرفراز و نشیب این کشور وجود دارد. ترجمهٔ این اثر توسط مترجمی چپ‌گرا و در کشوری با زمینه‌های چپ‌گرایی باعث می‌شود این کتاب در اردوگاه مارکسیسم و به‌عنوان تقویت‌کنندهٔ این اندیشه معنا پیدا کند، حال آنکه اگر همین کتاب، بی‌کم و کاست،

توسط یک ناشر انقلابی و در یک زمینهٔ متناسب با آن ترجمه و منتشر شود، کتابی ضدسلطه و در دوگانهٔ استضعاف و استکبار، کتابی ضداستکباری معنا خواهد شد. کتاب‌هایی از این دست در جهان اندیشه کم نیستند و می‌توان به‌راحتی و بدون صرف هزینه برای تولید علم، آنها را در راستای گفتمان انقلاب اسلامی به خدمت گرفت. گاهی اوقات، حتی تفاوت «ناشر» یک کتاب نیز در نوع معناشوندگی آن اثر در جامعه تفاوت قابل توجهی دارد. کوتاه‌سخن اینکه در مواجههٔ

تفکر انقلاب اسلامی با سایر اندیشه‌ها، به‌راحتی می‌توان از اندیشه و آثار بسیاری متفکرین و نویسندگان متعددی که در سرتاسر جهان وجود دارند و به‌نوعی در برخی از امور و مسائل با انقلاب اسلامی هم‌راستا هستند، بهرهٔ لازم را برد و این مسئله نیز نیازمند ساماندهی یک جریان جدی و منسجم ترجمه در کشور است. با این کار، هم از ظرفیت تولید علم انقلابی در بیرون از مرزها نهایت استفاده برده می‌شود و هم می‌توان از دانش ترجمه‌ای برای شکوفایی دانش بومی بهره‌برداری کرد.



برخی آثاری نیز که در نگاه اول، تعلقش به پایگاه گفتمانی انقلاب اسلامی ندارند، قابلیت این را دارند که در جهت تقویت ارزش‌های انقلاب به خدمت گرفته شوند، چرا که متن در «زمینهٔ متن» (context) معنا پیدا می‌کند و نمی‌توان بی‌توجه به زمینهٔ یک متن، فهم درستی از آن نوشته داشت و یا حتی نسبت به آن داوری کرد

دورهٔ جدید، شمارهٔ سوم
شهریور ۱۳۹۴

شهریور ۱۳۹۴
شمارهٔ سوم

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

وبسایت: WWW.MANASHR.IR

گزارش سومین نشست نمایشگاه کتاب مطلوب؛

نمایشگاه کتاب تهران از بی ثباتی سیاست‌ها رنج می‌برد

سومین نشست از مجموعه نشست‌های «نمایشگاه کتاب مطلوب» با موضوع بررسی سیاست‌های نمایشگاه کتاب تهران با حضور جمعی از اهالی نشر و کتاب برگزار شد. نشست «نمایشگاه کتاب مطلوب» با موضوع بررسی سیاست‌های نمایشگاه کتاب تهران با حضور جمعی از اهالی نشر و کتاب به همت مجمع ناشران انقلاب اسلامی در حوزه هنری برگزار شد. در ادامه گزارشی از اهم مطالب مطرح شده در این نشست را می‌خوانیم.

میثم نبیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی:

بازدیدهای میلیونی از نمایشگاه کتاب تهران، نوعی دلخوشی در فضای فرهنگی است



■ عدم دسترسی به کتاب، یکی از اصلی‌ترین

عوامل حضور در نمایشگاه کتاب ذکر می‌شود و

افرادی که در نمایشگاه شرکت می‌کنند نیز با توجه به

نظرسنجی‌ها، حدود ۴۰ هزار تومان کتاب می‌خرند،

یعنی بخش قابل توجهی از بازدیدکنندگان در این حدود کتاب می‌خرند، همچنین

بخش عمده‌ای از مراجعه‌کنندگان نیز کتب درسی خریداری می‌کنند. این بخش از

بازدیدکنندگان از نمایشگاه کتاب، نماد و نمودی از جامعه کتابخوان ما نیست، بلکه

این آمار و اطلاعات یک آمار و اطلاعات فریبنده است و بر واقعیت استوار نیست. اگر

وضعیت دسترسی به کتاب اصلاح شود، شاید انگیزه‌های بازدید از نمایشگاه کتاب

نیز اصلاح شود.

■ اگر بخش کتب درسی از نمایشگاه جدا شود، شاید وضعیت بازدیدکنندگان

تغییر کند، البته این آمار واقعیتی در فضای کتابخوانی ندارد و بازدیدهای میلیونی از

نمایشگاه کتاب تهران، نوعی دلخوشی در فضای فرهنگی است.

■ در آمارهای بیست و پنج سال گذشته از نمایشگاه کتاب، در ۹ یا ۱۰ سال

ابتدایی شاهد رشد نمایشگاه کتاب بوده‌ایم، ولی بعد از آن دچار کلیشه و آمار

شده‌ایم که این اتفاق مفید نخواهد بود و بهتر است در برگزاری نمایشگاه، از یک

رویه مشخص پیروی شود تا بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی انقلاب اسلامی اثر واقعی

خودش را داشته باشد.

■ در سال گذشته، شهرداری تهران با اعلام رقم هزینه‌کرد خود برای نمایشگاه

کتاب تهران، به نوعی میزان مشارکت خود را به رخ ارشاد کشید. شهرداری در آن سال،

رقمی بین ۱۱ تا ۱۵ میلیارد تومان برای این نمایشگاه هزینه کرده بود و می‌توان گفت

که شهرداری در برگزاری نمایشگاه با ارشاد همکاری مساوی داشته است.

علی ناظری، مدیر انتشارات فاتحان:

در فضای واقعی

ارتباط سالمی میان ناشران و مردم وجود ندارد



■ در دوران دفاع مقدس اینطور بود که برای

عملیات‌ها، مسئولیت افراد مشخص می‌شد و افراد

قبل و بعد آن و حتی تا عملیات بعدی وظایف خود

را می‌دانستند، ولی در نمایشگاه کتاب تهران اینطور

نیست، بلکه افراد در زمان برگزاری کارهایی می‌کنند و بعد از پایان

نمایشگاه در خواب زمستانی به سر می‌برند و برگزاری جلسات نقد و بررسی می‌تواند

مانع از به خواب رفتن دوستان شود. هدف از مطرح کردن این بحث‌ها، طرح کردن

مباحث سیاسی نیست و بهتر است به این مباحث با نگاه اصلاحی نگریسته شود.

■ در تعریف نمایشگاه در مرحله اول تصویری که از نمایشگاه در ذهن به

وجود می‌آید این است که نمایشگاه محلی برای نمایش تولیدات نشر است تا همه

از آن‌ها باخبر شوند، اما تصویر دوم، نمایشگاهی است که بیشتر فروشگاه‌های بوده و

اصلاً نگاه حرفه‌ای در آن وجود ندارد. در فضای واقعی، ارتباط سالمی میان ناشران

و مردم وجود ندارد و دولت بهتر است به تصحیح این ارتباط کمک کند. برای

بهبود این رابطه می‌توان به یک نمایشگاه - فروشگاه فکر کرد که یک نمایشگاه

حرفه‌ای با تمام استانداردها در کنار یک فروشگاه طراحی شود. همچنین در کنار

آن، شبکه فروش در سراسر کشور گسترش داده شود، علاوه بر این، در یک نمایشگاه

باید به نیازهای فرهنگی مخاطبان توجه شود و در کنار این مسئله، تولیدکنندگان و

پدیدآورندگان حوزه کتاب نیز ارزیابی شوند.

میثم نبیلی: در سال

گذشته، شهرداری

تهران با اعلام رقم

هزینه‌کرد خود برای

نمایشگاه کتاب تهران،

به نوعی میزان مشارکت

خود را به رخ ارشاد

کشید. شهرداری در آن

سال، رقمی بین ۱۱ تا

۱۵ میلیارد تومان برای

این نمایشگاه هزینه

کرده بود و می‌توان

گفت که شهرداری در

برگزاری نمایشگاه با

ارشاد همکاری مساوی

داشته است

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب
شهری



رضا قریبی، مدیر روابط عمومی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران:
صدای انقلاب اسلامی
در این نمایشگاه به گوش نمی‌رسد



■ بحث فکری و نظری نمایشگاه کتاب در هیاهوهای پیرامونی آن گم شده است؛ یعنی اینکه نمایشگاه کتاب در روزهایی پس از شهادت شهید مطهری (ره) برگزار می‌شود، نشان از توجه برگزارکنندگان آن در آن سال‌ها اندیشه‌های شهید مطهری (ره) دارد.

■ به نظر من بهتر است بخش کتب درسی به فصل مناسب آن یعنی شهریورماه که در آستانه بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها است منتقل شود، همچنین کتب مهندسی و پزشکی با این نگاه که نمایشگاه با توجه به اندیشه‌های شهید مطهری (ره) برپا شده، چندان ربطی به آن ندارد.

■ این نمایشگاه باید در تراز انقلاب اسلامی برگزار شود و برخی به نوعی اتفاقات را رقم زده‌اند که صدای انقلاب اسلامی در این نمایشگاه به گوش نمی‌رسد. ما پیوسته دم از مخاطب‌شناسی می‌زنیم، اما هیچ‌کس سخنی از ناشرشناسی به میان نمی‌آورد، زیرا در حوزه نشر، یک محتسب که شلاق در دست داشته باشد نداریم.

■ برخی ناشران وجود دارند که رفتار غیراخلاقی می‌کنند و کتاب را از یک ناشر دیگر می‌دزدند و منتشر می‌کنند و کسی از حقوق ناشران دفاع نمی‌کند، این نه تنها تضییع حقوق ناشر است، بلکه توهین به مخاطب نیز به حساب می‌آید.

■ ما در نمایشگاه کتاب تهران، غرفه یا غرفه‌هایی نمی‌بینیم که مهارت‌های خواندن را آموزش دهد، حال اگر خانواده‌ها از نظر اقتصادی توانایی پرداختن به امر کتابخوانی برای فرزندان‌شان را ندارند، اما اتفاقی نیز برای اینکه کودکان مهارت‌های خواندن را بیاموزند، رخ نداده است.

■ ما در دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر، کمتر می‌بینیم که دانشجویان اهل مطالعه باشند و بیشتر متکی به جزوه هستند و این در حالی است که دانشجویان، قشر فرهیخته جامعه هستند، پس با این وصف، دیگر نمی‌توان انتظاری داشت که خانواده‌ها فرزندان را به سمت مطالعه ترغیب و تشویق کنند.

■ بهتر است بار نمایشگاه کتاب کم شود و در ازای آن، مهارت‌های خواندن را آموزش دهیم، و گر نه جامعه ما به خواندن علاقه دارد، همچنین ما در تبلیغ کتاب نیز ضعیف ورود کرده‌ایم و باید بیشتر به آن اهتمام داشته باشیم.



ملکی، نماینده انتشارات قدر ولایت:
نقش نهادهای فرهنگی خارج از ارشاد
در نمایشگاه چیست؟

■ نقش نهادهای فرهنگی خارج از ارشاد باید در نمایشگاه کتاب مشخص شود، نهاد کتابخانه‌ها، شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیسیون فرهنگی مجلس در سیاستگذاری این نمایشگاه چه نقشی دارند؟

■ واسپاری نمایشگاه کتاب به بخش خصوصی نیز به درستی انجام نشده و واسپاری یک بخش به یک اتحادیه یا انجمن تحت عنوان واسپاری به بخش خصوصی تلقی می‌شود. بهتر است این شورا متشکل از اعضای ثابت باشد تا با آمدن و رفتن دولت‌ها تغییری در ساختار آن ایجاد نشود و اعضای ثابت در آن حضور داشته باشند.



حجت الاسلام علیرضا سبحانی‌نسب، مدیر نشر جمال:
در نمایشگاه کتاب چرخه تولید، توزیع و ترویج
با هم دیده شود

■ در سطح جهان، نمایشگاه‌های کتاب هر کدام دارای رویکرد خاصی هستند، اما در ایران ما می‌خواهیم همه چیز را با هم داشته باشیم که این عمل در واقع رخ نخواهد داد، مثلاً سرای اهل قلمی هست که با برخی از اهل قلم ارتباط دارد و بخشی از نویسندگان از وجود آن بی‌اطلاع‌اند. در بحث ترویج نیز این مسئله صادق است، همچنین در بحث توزیع نیز به گونه‌ای عمل می‌شود که برخی ناشران و مخاطبان از آن استفاده می‌کنند. در نمایشگاه کتاب باید چرخه و زنجیره تولید، ترویج و توزیع با هم دیده شوند. در بحث ترویج، باید به شدت دقت شود و به صورت جدی برای آن برنامه‌ریزی کرد، زیرا از خریدهای مخاطبان می‌توان پی برد که خریدها کور است و افراد برای خرید برنامه‌ای ندارند و اگر حلقه تولید، ترویج و توزیع با هم دیده شود، شاهد اتفاقات خوبی خواهیم بود.

رضا قریبی: برخی

ناشران وجود دارند که

رفتار غیراخلاقی می‌کنند

و کتاب را از یک ناشر

دیگر می‌دزدند و منتشر

می‌کنند و کسی از حقوق

ناشران دفاع نمی‌کند،

این نه تنها تضییع حقوق

ناشر است، بلکه توهین

به مخاطب نیز به حساب

می‌آید

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

کتاب
۱۰

سید صادق رضایی: در جهان، رفتن به کلیسا و خواندن انجیل و کتب مقدس را نیز جزو مطالعه به حساب می آورند، اما در کشور ما، مطالعه کتب دینی مانند قرآن، صحیفه سجاده و ادعیه جزو آمار مطالعه محسوب نمی شود

دوره جدید، شماره سوم شهریور ۱۳۹۴

کتاب سبزه

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

www.manashr.ir وبسایت صنعت نشر و کتاب



محمد مهدی داوودی پور، مدیر تعاونی ناشران تهران: سیاستگذاری گام اول برگزاری نمایشگاه کتاب است





















■ سیاستگذاری به عنوان گام اول برگزاری نمایشگاه کتاب از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و در سایر موارد نیز، بحث طولانی است و در همین گام اول، راه طولانی برای پیمودن وجود دارد.

■ فردمحوری در سپردن امور نمایشگاه کتاب برای من بسیار مهم است، اما به شرطی که آن هایی که به یک فرد کاری را می سپارند، کار دقیق بپایانند و از آن فرد، دقیق مطالبه کنند.









سید صادق رضایی مدیر عامل سابق کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان: نکته ای پیرامون سرانه مطالعه در ایران

■ در ارائه آمار جامعه کتابخوان در جهان، معمولاً افراد زیر ۷ سال که خواندن و نوشتن نمی دانند را به حساب نمی آورند، ولی برخی برای اینکه یک کشور را از نظر فرهنگی عقب افتاده نشان دهند، این بخش را در آمار لحاظ می کنند. همچنین در جهان، رفتن به کلیسا و خواندن انجیل و کتب مقدس را نیز جزو مطالعه به حساب می آورند، اما در کشور ما، مطالعه کتب دینی مانند قرآن، صحیفه سجاده و ادعیه جزو آمار مطالعه محسوب نمی شود.





محمد رضا توکل صدیق، نایب رئیس اتحادیه ناشران: ما باید الگوی نمایشگاه مطلوب را پیدا کنیم

■ هدفگذاری برای نمایشگاه مهم ترین بخش کار است که شامل: مشخص بودن هدف، محدود و دست یافتنی بودن آن می باشد. اهداف نمایشگاه نباید تعدد باشد بلکه باید کم باشد تا بشود روی آن تمرکز کرد.

■ هر کسی به هر هدفی نباید به نمایشگاه بیاید بلکه باید هدف از نمایشگاه کاملاً مشخص باشد تا دیگران به اهدافی مثل تفریح به نمایشگاه سر نزنند.

■ باید در مورد سوابق موفق داخلی و خارجی در نمایشگاه کتاب پژوهش شود و آن ها را مورد مطالعه قرار داد تا مشخص شود که چگونه می توانیم به نمایشگاه مطلوب برسیم.

■ در سال های اولیه برگزاری نمایشگاه کتاب بین المللی در تهران بخش های تخصصی به مراتب بیشتر بود، اما رفته رفته بخش های فروش و بصری افزایش یافته و در نتیجه از تخصصی بودن نمایشگاه کاسته شد.

■ نمایشگاه فرانکفورت در آلمان توسط نهادهای اداری آن اداره می شود و واگذاری به نهادهای صنفی تجربه ای موفق می باشد. چرا که نهادها دولتی در اجرا و تصدی گری سابقه ای در رخشان نداشته و چه بهتر که دولتی به سمت حمایت، سیاست های کلان و... حرکت کند.



۹

نادر قدیانی، مدیر انتشارات قدیانی:

با ۵ میلیارد هم

می توانیم نمایشگاه خوبی داشته باشیم



■ ما ۲۸ اسل قبل با ۱۱۲ غرفه نمایشگاه

را تأسیس کردیم و من در آن نمایشگاه غرفه ای ۹

متری داشتیم، از آن نمایشگاه تا امروز با وجود تورم و

بالارفتن هزینه های جاریه در امور نمایشگاه اعم از هزینه آب

و برق و کمک های شهرداری با یک حساب سرانگشتی می توان گفت بالای ۴۰ میلیارد

خرج نمایشگاه کرده ایم. این در حالیست که کشورهای خارجی نمایشگاهی می زنند

برای معرفی نشرها و یا تعامل نویسندگان و ناشران و ... اما نمایشگاه زدن ما درواقع نوعی

وابستگی اقتصادی در پی خود دارد و نشر ما وابسته شده به این سبک نمایشگاه.

■ من به عنوان کسی که ۴۸ سال از عمر خود را در این عرصه سپری کرده

است می گویم که می توان با ۵ میلیارد هم نمایشگاه داشته باشیم. نمایشگاهی برای

معرفی ناشران برگزار کنیم و بقیه بودجه را در بخش های مورد نیاز نشر که مهم ترین

آن زیرساختار است صرف کنیم. ما در این عرصه نیازمند پژوهش هایی به طور جدی

هستیم. گروهی در این زمینه پژوهشی انجام بدهد تا به مدل واحد برسیم. اما اینگونه

نباشد که پژوهشی شروع به کار کند و با تغییر دولت این پژوهش تغییر کند. بلکه پژوهشی

ادامه دار و نظم و مدون صورت بگیرد.



محمود آموزگار، رئیس اتحادیه ناشران:

در حوزه فرهنگ چه به معنای خاص و چه به

معنای عام برنامه خاصی نداریم



■ در حوزه فرهنگ، چه به معنای خاص و چه

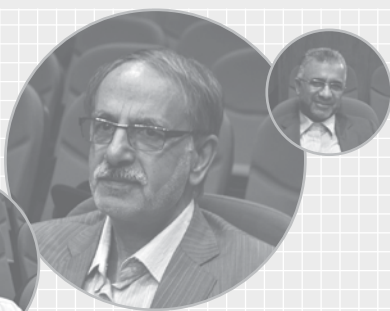
به معنای عام برنامه خاصی نداریم و آنچه برافضا حاکم

شده است روزمرگی است. بیشتر به دنبال این هستیم که

مسائل روزمره را رفع و رجوع کنیم همین هم موجب شده

تا چیزی که با انرژی و هزینه کم میشد درمان کرد تبدیل شود به موقعیت بزرگی که

ممکن است تهدیدات بزرگی را برآیمان رقم بزند.



هومان حسن پور عضو هیئت مدیره اتحادیه ناشران:

باید به جمع آوری تمام پژوهش هایی که در حوزه

کتاب انجام شده بپردازیم

■ یکی از دلایلی که ما در زمینه پژوهش و آمارگیری

درحوزه کتاب مشکل داریم این است که می خواهیم کل

یک کار را بدهیم به یک تیمی از خودمان انجام بدهد که این

تیم ممکن است در ادامه پژوهش با مشکلاتی مواجه شده و یا به

نتیجه مطلوب نرسد و آنچه که مورد نظر بوده را بدست نیاورد. برای مواجه

نشدن با اینگونه مشکلات می توانیم فراخوان بدهیم که هرکسی در زمینه کتا و کتابخوانی

و ... پژوهشی انجام داده است از هر جای ایران پژوهش خود را برای ما ارسال کند. با داشتن

بانک اطلاعاتی می توانیم از هردیدگاهی به موضوعات نگاه کنیم و دیدی چندجانبه به این

موضوعات داشته باشیم. در واقع پروسه توزیع از زمانی که ناشر تصمیم می گیرد کتابی را

چاپ کند شروع می شود. اما خیلی از ناشرانی که به سیستم توزیع اعتراض دارند و از آن

گلگی می کنند در واقع موجب این مشکلات خودشان هستند؛ برای مثال ناشری که کتابی را

چاپ می کند و در پاسخ به این که هدفش از چاپ این کتاب چه بوده است می گوید برای دل

خودم چاپ کرده ام چگونه توقع فروش و توزیع مناسب کتاب را دارد.

■ اکثر مسائل و مشکلات بر می گردد به این که ما به گذشته های خود بی اعتمادیم.

در صورتی که با استفاده از نقاط قوت و تجربه های خوب گذشته می توانیم در این حوزه گام های

خوب و موثقی را برداریم.



نادر قدیانی: من به

عنوان کسی که ۴۸

سال از عمر خود را

در این عرصه سپری

کرده است می گویم که

می توان با ۵ میلیارد

هم نمایشگاه داشته

باشیم. نمایشگاهی برای

معرفی ناشران برگزار

کنیم و بقیه بودجه را

در بخش های مورد نیاز

نشر که مهم ترین آن

زیرساختار است صرف

کنیم

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب
۱۲

| مجمع ناشران انقلاب اسلامی

وبسایت: WWW.MANASHIR.IR

معشوق ویرینی

یاسر احمدوند

حرفه شما هر چه که باشد اگر در ده روز، چند میلیون نفر از آثار شما بازدید کنند و مشتاق باشند ببینند چه کرده‌اید در یک سال گذشته و اگر خوششان آمد بخزند و ببرند، حتما یکی از انسان‌های موفق روی زمین در کسب و کارتان هستید. این اتفاق اگر هر سال تکرار شود و جمعیتی میلیونی باز به شما سر بزند و پیگیر کارهایتان باشند، حتما کسب و کار پُررونقی خواهید داشت.

ناشران حالا همان‌ها هستند که هر سال چند میلیون نفر در نمایشگاه کتاب تهران به غرفه‌هایشان سر می‌زنند و پیگیر و پی‌جوی‌اند که در یک سال گذشته چه تولید کرده‌اند، تازه چه آورده‌اند. حال و روز ناشران اما شبیه انسان‌های خوشبخت نیست، با این همه استقبال، این همه مشکل، ناسازگار و نامربوط می‌نماید. از دیگر سو چنین استقبالی از یک پدیده نشانه دلبستگی و علاقه به آن است، چگونه است

برای افتخار کردن و در پوست خود نگنجیدن، نمایشگاه کتاب چیزی کم ندارد. ما در کشور رکوردهای جالب و گاه متناقض زندگی می‌کنیم؛ این هم یکی از آنها: نمایشگاه کتاب تهران یکی از پربازدیدترین نمایشگاه‌های فرهنگی جهان است، اما شرکت‌کنندگان تجارت موفق ندارند. نمایشگاه کتاب تهران پدیده‌ایست بی‌بدیل از جهات



گوناگون: بزرگ‌ترین گردهمایی ایرانیان است. به بهانه کتاب از هر قوم و مذهبی از هر گوشه ایران عده‌ای برای شرکت در این نمایشگاه برنامه‌ریزی می‌کنند. نمایشگاه کتاب خانه همه است. بزرگ‌ترین نمایشگاه کشور است، پربازدیدترین نمایشگاه، پر فروش‌ترین نمایشگاه و بسیاری «ترین»‌های دیگر. بیش از هر چیز اما نمایشگاهی است از خصلت‌های

ایرانی. آن جامعه‌شناسی که از واکنش ایرانیان به جوهری یک خواننده متعجب شده بود، اگر در ویژگی‌ها و خصوصیات رفتار مردم در مواجهه با نمایشگاه کتاب دقیق می‌شد، بیشتر دچار حیرت می‌شد. نمایشگاه کتاب نمایش شیفتگانی است که به وصال ویرینی معشوق دلخوشند و دلشان آنقدرها هم که این حضور انبوه گواهی می‌دهد، برای دلدارشان تنگ نمی‌شود. ما جماعتی هستیم که در سالن‌های گرم و نامناسب ساعت‌ها همراه خانواده به تفرج می‌پردازیم، ولی به کتابفروشی محلمان رونقی نمی‌دهیم. نمایشگاه کتاب پدیده‌ایست که باید آن را بیشتر شناخت، در یادداشت‌هایی که به تناوب در این صفحه منتشر می‌شوند، به این اتفاق از نگاه مردم، ناشران و برگزارکنندگان می‌پردازم.

نمایشگاه کتاب؛ این اتفاق عجیب فرهنگی

آیا نمایشگاه کتاب که مهم‌ترین مزیتش استقبال و حضور مردم است، میزبان خوبی برای بازدیدکنندگان هست؟ شاید اگر برگزارکنندگان نمایشگاه بخواهند به این سؤال پاسخ بدهند، بگویند خوب اگر مردم از شرایط حضور در نمایشگاه ناراضی نبوده‌اند، این استقبال گسترده اتفاق نمی‌افتاد و این همه بازدید از نمایشگاه صورت نمی‌گرفت. البته که از نمایشگاه کتاب استقبال زیادی می‌شود، اما چنین مواجهه‌ای با استقبال مردم مانند این است که مسئولان مربوط به موضوع آلودگی هوای تهران در پاسخ این پرسش که آیا مردم از وضعیت هوای تهران راضی‌اند، بگویند اگر راضی نبودند، نفس نمی‌کشیدند. البته اگر مردم می‌توانستند، در

اکنون سالانه حدود

هفتاد هزار عنوان کتاب

در کشور منتشر می‌شود.

با توجه به دوره گردش

کتاب در بازار که حدود

دو سال است، حداقل

صدوپنجاه هزار کتاب

فعال باید در چرخه نشر

کشور موجود باشد.

بزرگ‌ترین

کتابفروشی‌های کشور

اکنون کمتر از سی هزار

عنوان کتاب عرضه

می‌کنند

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب ۱۳

هوای آلوده نفس نمی کشیدند. واقعاً اگر مردم می توانستند به راحتی به کتب ناشران مختلف دسترسی داشته باشند، آیا میزان استقبال از نمایشگاه کتاب دچار تغییر جدی نمی شد؟

خوب است ببینیم مهم ترین دلایل استقبال مردم از نمایشگاه چیست؟ احتمالاً از این راه بهتر بتوان به جواب نزدیک شد.

الف) جنس جور

تقریباً همه ناشران فعال کشور در نمایشگاه کتاب شرکت می کنند. این یعنی مخاطبان فرصت دارند کتاب های مورد نیاز و علاقه شان را یکجا ببینند و تهیه کنند؛ در هیچ کجای کشور، حتی در شهر بی سر و ته تهران، فروشگاه های وجود ندارد که حتی بیست درصد عناوین منتشره کتاب در کشور را عرضه کند. توجه داشته باشید اکنون سالانه حدود هفتاد هزار عنوان کتاب در کشور منتشر می شود. با توجه به دوره گردش کتاب در بازار که حدود دو سال است، حداقل صد و پنجاه هزار کتاب فعال باید در چرخه نشر کشور موجود باشد.

بزرگ ترین کتابفروشی های کشور اکنون کمتر از سی هزار عنوان کتاب عرضه می کنند. این تعداد کتابفروشی هم البته کمتر از ده باب است. یک کتابفروشی برای عرضه



سی هزار عنوان کتاب در کنار دیگر بخش ها مانند سی دی، لوازم التحریر، صنایع دستی، نشریات و... باید مساحتی بیش از هفت صد متر مربع داشته باشد.

حتماً شما هم تأیید می کنید چنین کتابفروشی های بزرگی چقدر کم هستند. در نمایشگاه های استانی هم به دلایل مختلف، بسیاری از ناشران شرکت نمی کنند. تعداد بازدید کنندگان از این نمایشگاه ها نیز قابل مقایسه با نمایشگاه کتاب تهران نیست.

به نظر می رسد حضور اکثر ناشران و کتاب های منتشر شده در یک مکان مهم ترین دلیل استقبال از نمایشگاه کتاب است. اگر این گزاره درست باشد، معنی آن این است که اگر دسترسی مردم به کتاب بیشتر و راحت تر باشد، شاید تمایل کمتری به حضور در نمایشگاه داشته باشند مگر...

ب) بزرگ ترین فروشگاه فرهنگی

نمایشگاه کتاب بر خلاف نامش نمایشگاه نیست، بلکه یک فروشگاه است. یعنی مردم می توانند آنچه از بازار کتاب توقع دارند در این



نمایشگاه ببینند و آنچه مورد نظر و مقبول طبعشان باشد، در آن تهیه کنند. بسیاری از مراجعان فهرستی از کتب مورد نظرشان را همراه دارند و از این غرفه به آن غرفه و از این سالن به آن دیگری دنبال یافتن آنها هستند. یک بار حضور در نمایشگاه می تواند بخش زیادی از نیازهای مردم را که عمدتاً کتب درسی و آموزشی یا مرتبط به آن هستند تأمین کند. شاید اصرار مسئولان در جدا نکردن بخش ناشران دانشگاهی و کمک آموزشی از نمایشگاه کتاب به همین دلیل باشد.

ج) مناسبی در تقویم خانواده ها

حالا دیگر نمایشگاه کتاب یک مناسبت غیررسمی در تقویم اکثر خانواده ها است که خود را ملزم



به شرکت در آن می بینند. مردم در ایام برپایی نمایشگاه کتاب از یکدیگر می پرسند «نمایشگاه کتاب رفته ای یا نه؟» این یعنی یک «باید» در رفتار اجتماعی. یعنی از همه توقع می رود سری به نمایشگاه کتاب بزنند. خیلی از خانواده ها ترجیح می دهند با همه سختی ها، هر سال در نمایشگاه گشتی بزنند. پدران و مادران مسئولیت پذیر فرزندان شان را همراهی می کنند تا حس خوبی از یک فعالیت فرهنگی را با هم تجربه کنند.

د) حضور در یک فعالیت جمعی

بازدید کنندگان از نمایشگاه کتاب احساس می کنند در یک کار فرهنگی هدفمند و بزرگ شرکت می کنند، اگر چه برپا کنندگان نمایشگاه کتاب در تدارک برنامه هایی که این حس را تقویت کند، همیشه ناموفق بوده اند. چرا که بخش های جنبی نمایشگاه را تقویت کرده اند، در حالی که در این نمایشگاه اصل مهم است، نه حاشیه. مردم اما از مشارکت در این جشنواره بزرگ احساس رضایت می کنند.

ه) دیدار با اهالی کتاب شاید دیدار با نویسندگان، مترجمان و تصویرگران نیز یکی از دلایلی باشد که تعدادی از مردم را به حضور در این نمایشگاه ترغیب می کند. معمولاً ناشران با اعلام برنامه های حضور پدیدآورندگان زمینه ساز این حضورند.

البته بخشی از بازدید کنندگان نمایشگاه مراجعان حرفه ای هستند، یعنی نویسندگان، ناشران، کتابفروشان و مرتبطان با صنعت نشر که در این بخش از نوشته ها به آنها نمی پردازم.

حالا با توجه به این دلایل باید ببینیم آیا مردم از تدارکی که برای آنها می شود، راضی اند؟ یعنی آیا به بهترین شیوه و راحت ترین راه می توانند کتاب های مورد نظرشان را بیابند؟ آیا به راحتی امکان خرید برایشان فراهم است؟ آیا حس حضور در یک برنامه عظیم فرهنگی در آنها تقویت می شود؟ آیا به راحتی می توانند نویسندگان محبوبشان را ملاقات کنند؟



حالا دیگر نمایشگاه

کتاب یک مناسبت

غیررسمی در تقویم اکثر

خانواده ها است که خود

را ملزم به شرکت در آن

می بینند. مردم در ایام

برپایی نمایشگاه کتاب

از یکدیگر می پرسند

«نمایشگاه کتاب رفته ای

یا نه؟» این یعنی یک

«باید» در رفتار اجتماعی.

یعنی از همه توقع می رود

سری به نمایشگاه کتاب

بزنند

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴



میثم نیلی در گفتگو پیرامون شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه؛

ترکیب شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه را متوازن نمی‌دانیم

علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی طی حکمی، سیزده نفر را به‌عنوان ترکیب تازه شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب معرفی کرد. بعد از این انتصاب بود که مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی از حضور برخی چهره‌های نامرتبط با نشر در شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب انتقاد کرد.

میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، درباره این ترکیب اظهار داشت: وزارت ارشاد درباره معرفی نماینده‌ای از مجمع ناشران انقلاب اسلامی در ترکیب شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه کتاب سال آینده از ما نظرخواهی کرد و ما نیز یک گزینه، یعنی آقای

محمد حمزه‌زاده، رئیس هیئت مدیره مجمع را به آنها معرفی کردیم که خوشبختانه در ترکیب شورا قرار گرفت.

نیلی در ادامه با اشاره به تغییر تعداد اعضای شورا از یازده به سیزده نفر، گفت: با وجود این تغییرات و نظرخواهی صورت گرفته از تشکلهای نشر، ما این ترکیب را کماکان متوازن نمی‌دانیم و ایراداتی جدی به آن وارد می‌دانیم و البته

انتظار داشتیم وزارت ارشاد درباره این ترکیب نیز از تشکلهای نشر مشورت می‌گرفت.

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی ادامه داد: در ترکیب فعلی شورا ما شاهد حضور عناصری هستیم که فعالیت عمده و شهرت آنها در حوزه‌هایی غیر از کتاب و نشر است. مثلاً برخی از افراد فعال در حوزه میراث فرهنگی را به ترکیب وارد کرده‌اند و یا دو نفر از



داشت یا خیر، با ذکر این نکته که باید تحول در نمایشگاه را از بدنه نشر کشور مطالبه کرد و نه دولت، گفت: تحول در نمایشگاه کتاب را باید از کل بدنه نشر و در پی ارتباطات فکری و هم‌اندیشی میان تشکلهای نشر و ناشران انتظار داشت. این تعامل است که می‌تواند بیان‌کننده واقعیات موجود بر بازار کتاب و بیان‌کننده نظرات کارشناسی و مسائل اصلی در این زمینه باشد.

نیلی در پایان افزود: امیدوارم این شورا بتواند بستری برقرار کند تا چنین تعاملی صورت پذیرفته و تشکلهای قادر به بیان مشکلات اصلی خود و برنامه‌ریزی برای برپایی مطلوب نمایشگاه شوند. اگر این اتفاق در شورای سیاست‌گذاری رخ دهد، می‌توان امید داشت که نمایشگاه کتاب مانند سال قبل یک‌سویه‌نگر نشود و نمایشگاه آینده وضعیتی به‌مراتب بهتر از نمایشگاه امسال داشته باشد.

منبع: مهر

یک شرکت توزیع و پخش کتاب در ترکیب قرار داده‌اند که به نظر نمی‌آید درست باشد. اما در این شرایط نفس نظرخواستن از تشکلهای و درخواست معرفی نماینده توسط آنها برای حضور در این شورا با وجود نامرتبط بودن برخی دیگر از اعضا جای تقدیر دارد. وی همچنین در پاسخ به سوآلی که آیا با این ترکیب می‌توان به ایجاد تحولاتی بنیادی در نگاه بدنه دولت به نمایشگاه بین‌المللی کتاب امید

با حکم وزیر ارشاد؛

اعضای شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه بیست و نهم کتاب منصوب شدند

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با صدور احکامی جداگانه اعضای شورای سیاست‌گذاری بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی

کتاب تهران را منصوب کرد. طی این حکم «سیدرضا صالحی امیری»، «علی اکبر اشعری»، «رضا امیرخانی»، «مهدی

فیروزان»، «همایون امیرزاده»، «مرتضی کاظمی»، «مسعود شهرام‌نیا»، «محمد سلگی»، «سیدمحمد بهشتی»، «محمد حمزه‌زاده»، «مهدی اسماعیلی‌راد»، «سیدعلی اصغر سیدآبادی» و «محمد رضا توکل صدیقی» به‌عنوان اعضای شورای سیاست‌گذاری بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران منصوب شدند.

در متن حکم «علی جنتی» خطاب به اعضا آمده است: نظر به اهمیت و ضرورت بهره‌گیری از دیدگاه‌های سازنده و کارشناسانه در برگزاری مطلوب نمایشگاه تهران به عنوان مهم‌ترین رویداد فرهنگی کشور و با توجه به سوابق و تجارب ارزشمند جناب عالی، بنا به پیشنهاد معاون محترم امور فرهنگی، به‌عنوان عضو شورای سیاست‌گذاری بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران منصوب می‌شوید. امید است با بهره‌گیری از تجارب پیشین و ارائه ایده‌های خلاقانه مبتنی بر اهداف، رویکردها و سیاست‌های کلان فرهنگی نظام مقدس اسلامی به منظور توسعه، بسط و ارتقای روزافزون فرهنگ کتاب و کتابخوانی در انجام این وظیفه سترگ موفق و موید باشید.



در ترکیب فعلی شورا ما شاهد حضور عناصری هستیم که فعالیت عمده و شهرت آنها در حوزه‌هایی غیر از کتاب و نشر است. مثلاً برخی از افراد فعال در حوزه میراث فرهنگی را به ترکیب وارد کرده‌اند و یا دو نفر از یک شرکت توزیع و پخش کتاب در ترکیب قرار داده‌اند که به نظر نمی‌آید درست باشد

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

کتاب
۱۵

توضیحات معاون فرهنگی ارشاد درباره ترکیب شورای سیاست گذاری نمایشگاه کتاب



نخستین جلسه شورای سیاست گذاری بیست و نهمین نمایشگاه کتاب تهران صبح روز چهارشنبه ۲۸ مردادماه، با حضور «سیدعباس صالحی» رئیس شورای سیاست گذاری و اعضای آن در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

«صالحی» در ابتدای این جلسه توضیحاتی درباره ترکیب اعضای شورای سیاست گذاری بیست و نهمین نمایشگاه کتاب تهران ارائه داد.

وی اعضای شورا را بر اساس آیین نامه نمایشگاه به چند گروه تقسیم کرد و گفت: سال گذشته رؤسای هیئت مدیره شکل ها به عنوان نماینده شکل ها در شورای سیاست گذاری حضور داشتند، اما در این دوره از سه تشکل اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران،

اتحادیه تعاونی های ناشران (آشنا) و مجمع ناشران انقلاب اسلامی خواستیم که نمایندگان خود را برای عضویت در شورا معرفی کنند که آقایان «توکل صدیق» از اتحادیه ناشران، «اسماعیلی راد» از اتحادیه آشنا و «حمزه زاده» از مجمع ناشران معرفی شدند.

وی افزود: یک گروه دیگر از مدیران فرهنگی شامل آقایان «اشعری»، «صالحی امیری» و «فیروزان» در شورا عضویت دارند. دو حوزه مهمی که در نمایشگاه باید به آن توجه شود، حوزه اقتصاد نمایشگاه و هم چنین هویت بصری و زیبایی نمایشگاه است. علاوه بر تخصصی که همه دوستان شورا در حوزه فرهنگ به طور عام دارند، با نگاه تخصصی تر آقایان «بهشتی» و «کاظمی» در ترکیب قرار گرفتند. آقای «امیرخانی» نیز به عنوان

نویسنده و پدیدآورنده در ترکیب شورا قرار دارد. آقایان «شهرام نیا»، «سلگی»، «سیدآبادی» و «امیرزاده» هم به عنوان مدیران معاونت در شورا هستند.

معاون امور فرهنگی در ادامه گزارشی از نحوه برگزاری نمایشگاه کتاب تهران از ابتدا تاکنون ارائه داد و ضمن برشمردن تغییرات نمایشگاه کتاب در طول این سال ها عنوان کرد: امیدواریم با تشکیل زود هنگام شورای سیاست گذاری در این دوره بتوانیم گام های مؤثری در برگزاری نمایشگاه کتاب تهران برداریم.

بر اساس این گزارش، «علی اکبر اشعری» به عنوان سخنگوی شورای سیاست گذاری بیست و نهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران انتخاب شد. سپس موضوع میهمان ویژه نمایشگاه مورد بررسی

و تبادل نظر میان اعضاء قرار گرفت. در این جلسه، پیشنهادهایی از سوی اعضاء ارائه شد و در نهایت تصمیم گرفته شد؛ پس از بررسی گزینه ها میهمان ویژه بیست و نهمین نمایشگاه کتاب تهران معرفی شود.

همچنین در این جلسه اعضاء شورای سیاست گذاری در گفت و گویی آزاد نقطه نظرات خود را درباره نمایشگاه کتاب تهران بیان کردند.

در نخستین جلسه شورای سیاست گذاری نمایشگاه کتاب تهران علی اکبر اشعری، محمد حمزه زاده، سید محمد بهشتی، رضا امیرخانی، محمدرضا توکل صدیقی، مهدی فیروزان، مرتضی کاظمی، مسعود شهرام نیا، محمد سلگی، مهدی اسماعیلی راد و علی اصغر سید آبادی حضور داشتند.

احمد عطایی: به شورای سیاست گذاری نمایشگاه ۲۹ خوشبین نیستیم



این ها در تشکل های نشر شامل انجمن ها و ... وجود دارند. او با اشاره به اینکه ناشران تحت فشار بودند و هزینه، وقت و تلاش زیادی در این عرصه کرده اند گفت: به جای اینکه آنها خودشان در این شورا حضور پررنگی داشته باشند حضورشان کم رنگ است و ما به این شورای سیاست گذاری تعیین شده نگاه خوشبینانه

قلم باشد.

وی در ادامه گفت: در واقع این شورا شورایی است برای فرار از فشار ناشران و خرابکاری هایی که در نمایشگاه های قبلی انجام شده است. حال سؤال اصلی اینجاست که این اعضا چگونه می توانند این نمایشگاه را بین المللی کنند؟ ما باید از ظرفیت های ملی ای که نماینده قشر نشر هستند استفاده کنیم که

نزدیکند، دونفر از شهر کتاب هستند که ربط آن را به نمایشگاه کتاب متوجه نمی شویم.

عطایی با اشاره به این موضوع که یکی از اعضای معرفی شده نویسنده می باشد گفت: نویسنده نماینده اهل قلم نیست، نماینده ای که در شورای سیاست گذاری کتاب باید حضور داشته باشد قاعده تا باید نماینده نویسندگان یعنی از انجمن اهل

احمد عطایی مدیر عامل مؤسسه قدرو لایت پیرامون ترکیب جدید شورای سیاست گذاری کتاب گفت: این ترکیب ترکیب فرهنگی ای نیست بلکه سیاسی است. از این جهت که انتخاب اعضا در این شورا به این شکل است که دونفر از اعضا کسانی هستند که با وزیر ارشاد فراری «عطاء الله مهاجرانی» همکاری داشته اند و به جریان خاتمی و فتنه ۸۸ خیلی

این شورا، شورایی

است برای فرار از فشار

ناشران و خرابکاری هایی

که در نمایشگاه های قبلی

انجام شده است. حال

سؤال اصلی اینجاست

که این اعضا چگونه

می توانند این نمایشگاه

را بین المللی کنند؟ ما

باید از ظرفیت های ملی

ای که نماینده قشر نشر

هستند استفاده کنیم که

این ها در تشکل های

نشر شامل انجمن ها و ...

وجود دارند

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

کتاب
۱۶



جایگاه مخاطب در نمایشگاه کتاب کمرنگ است

حسام آبتوس

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، واژه‌ای آشنا که به محض شنیده شدن یادآور خاطرات خوب روزهای نمایشگاه کتاب و گردش در میان بزرگ‌ترین بازار کتاب ایران است.

«بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور» یکی از تعاریفی است که به نمایشگاه بین‌المللی کتاب نسبت داده می‌شود، ولی نکته‌ای که همیشه با مطرح شدن نام نمایشگاه کتاب تهران در ذهن‌ها ایجاد می‌شود، این است که این نمایشگاه با استانداردهای نمایشگاه کتاب در جهان هم‌خوانی ندارد و بیشتر به یک فروشگاه بزرگ شباهت دارد. بعد از این که سخن از نمایشگاه کتاب و نحوه

برگزاری آن به میان می‌آید، مخالفان و موافقان نظرانشان را پیرامون نحوه برگزاری و اجرای این نمایشگاه مطرح می‌کنند و داد سخن برای اصلاح در روند اجرا و برگزاری می‌دهند.

اما معمولاً نکته‌ای که در این نظرات مغفول است، این است که باید برای درمان و علاج نمایشگاه کتاب تهران نسخه‌ای متناسب با این نمایشگاه پیچید و از پیچیدن نسخه نمونه‌های مشابه خارجی برای نمونه داخلی خودداری کرد. نمایشگاه کتاب تهران دارای مخاطب خاص خود است و باید در آن، به جغرافیا و شرایط فرهنگی محیط نیز توجه شود، ولی معمولاً این مسئله در ارائه نظرات اصلاحی

برای برگزاری این نمایشگاه مغفول است و هرکس می‌خواهد دقیقاً نمونه مشابه خارجی را برای این نمایشگاه پیچد.

این در حالی است که مخالفان و موافقان در نحوه برگزاری نمایشگاه کتاب می‌خواهند نظرات خود را که برخی غیرکارشناسانه است، به شورای سیاست‌گذاری تحمیل کنند و بخواهند که این شورا دقیقاً همان را عملی کند.

اما باز هم تاکید می‌شود که شورای سیاست‌گذاری باید برای نمایشگاه کتابی سیاست‌گذاری کند که قرار است در تهران و پایتخت جمهوری اسلامی ایران برگزار شود و در این اتفاق باید به شرایط فرهنگی مخاطبان نیز

توجه شود. مخاطبانی که دسترسی درستی به کتاب نداشته و طبق آمار و اطلاعات، بخش عمده‌ای از آنها به‌خاطر عدم دسترسی به کتاب، به نمایشگاه کتاب مراجعه می‌کنند تا بخشی از نیازهای خود به کتاب را برطرف کنند. پس اینکه به شورای سیاست‌گذاری توصیه شود که مدلی چون نمایشگاه کتاب فرانکفورت و یا ... در ایران نیز پیاده شود، توصیه‌ای اشتباه است و باید به دنبال مدلی بود که مناسب حال مخاطب ایرانی باشد؛ مدلی که در کنار نمایش آثار نشر ایران در طول، برای مثال، یک سال قبل، تا راه‌اندازی شبکه فروش گسترده در سراسر کشور، فروش کتاب نیز

داشته باشد تا مخاطبان بتوانند علاوه بر مطلع شدن از تازه‌های نشر، خرید نیز داشته باشند و نیازهای خود را تأمین کنند. پس باید به کسانی که برای تغییر روند برگزاری نمایشگاه کتاب نظرانی را ابراز می‌کنند، گفت که حلقه فراموش شده در برخی نظرات ابراز شده پیرامون تغییر در نحوه اجراء این رویداد بزرگ فرهنگی، «مخاطب» است و باید نسبت به آنها که رکن اصلی در این رویداد هستند، بیشتر توجه کرد و اگر نمایشگاه کتاب بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور است، بخشی به‌خاطر حضور مخاطبان ایرانی در این نمایشگاه است.

نمایشگاه کتاب تهران

دارای مخاطب خاص

خود است و باید در آن،

به جغرافیا و شرایط

فرهنگی محیط نیز توجه

شود، ولی معمولاً این

مسئله در ارائه نظرات

اصلاحی برای برگزاری

این نمایشگاه مغفول

است و هرکس می‌خواهد

دقیقاً نمونه مشابه

خارجی را برای این

نمایشگاه پیچد

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب
۱۷

زندگی و کتاب آغاز موج سوم بزرگ‌ترین مسابقه کتابخوانی کشور

مسابقات سراسری کتابخوانی

بهناز ضرابی‌زاده در «دختر شینا» قدم به قدم وارد زندگی قدم خیر محمدی کنعان شده است او با سردار شهید ستار ابراهیمی هژیر را روایت کند و همدم شب‌های تنهایی این زن و فرزندانش شود؛ شب‌هایی که قدم خیر و فرزندانش وضعیت قرمز را تجربه می‌کردند و پدر در مناطق جنگی مشغول دفاع در برابر دشمن بود. این کتاب حکایتی از یک زندگی در پشت صحنه جنگ است؛ خاطرات زنی که در طول هشت سال ازدواجش با یکی از سرداران دفاع مقدس، با دشواری‌های دوری همسر و بزرگ کردن فرزندانش، کنار آمد و به تنهایی زندگی را اداره کرد، چهار دختر و یک پسر به دنیا آورد و همسرش فقط موقع به دنیا آمدن یکی‌شان در کنارش بود. «دختر شینا» از معدود کتاب‌های خاطرات است که زندگی پرفراز و نشیب یک دختر جوان روستایی را در برابر چشمان ما به نمایش می‌گذارد، دختری که آن قدر می‌ایستد و می‌افتد و دوباره برمی‌خیزد تا جنگ را تحقیر کند. «دختر شینا» از ۱۹ فصل تشکیل شده و از روایت کودکی قدم خیر آغاز می‌شود؛ از زمانی که نامش را به خاطر قدم خوشی که داشت «قدم خیر» گذاشتند تا زمانی که حماسه زندگی‌اش را در پشت جبهه‌ها رقم زد. ضرابی‌زاده هم توانسته با تیزبینی و هوشمندی یک نویسنده، همه صحنه‌ها و فضاهای کتاب را اثرگذار و ملموس روایت کند.

عنوان:

دختر شینا

خاطرات قدم خیر
محمدی کنعان همسر
سردار شهید حاج
ستار ابراهیمی هژیر

نویسنده:

بهناز ضرابی‌زاده

ناشر:

سوره مهر



نویسنده کتاب دختر
شینا در نشست خبری
سومین دوره مسابقه
سراسری کتاب و زندگی

دیدار با رهبر انقلاب بهترین اتفاق زندگی

فرزندان شهید حاج ستار بود

نویسنده کتاب «دختر
شینا» با بیان اینکه این اثر
ثمره یک کار دلی ست نه
سفارشی گفت: این نظر خود
شهیدا است که کارها به ثمر
می‌رسد



نشست خبری آغاز سومین دوره مسابقه سراسری کتاب و زندگی با محوریت کتاب دختر شینا با حضور سیدعارف علوی مسئول دبیرخانه مسابقه، بهناز ضرابی‌زاده نویسنده کتاب، معصومه و مهدی ابراهیمی از فرزندان راوی کتاب در حوزه هنری برگزار شد. بهناز ضرابی‌زاده در ابتدای این نشست با اشاره به تجربه داستان‌نویسی‌اش گفت: من پیشتر در حوزه داستان به ویژه داستان کودک و نوجوان فعالیت می‌کردم و اغلب کارهایم در این حوزه منتشر شده است اولین کار جدی‌ام در حوزه بزرگسال همین کتاب دختر شینا است. بعد از مدتی به این نتیجه رسیدم که برای سوژه یابی بهتر است وارد زندگی خود شهدا شوم و سوژه‌هایم را از زندگی کسانی که

«دختر شینا» یک کار دلی ست، نه سفارشی

ضرابی‌زاده با بیان اینکه دختر شینا سفارشی شده از جایی نیست، افزود: از این جهت این کتاب کار دلم بود و آنطور که می‌خواستم نوشتم. من اصلاً به عاقبت کار فکر نمی‌کردم و فقط به مسئولیت‌م برای نوشتن می‌اندیشیدم. همین امر لحظات خوبی را برایم رقم زد. به طوری که من مدتی با این کتاب زندگی کردم. متأسفانه وقتی کار به میانه رسیده بود راوی کتاب در گذشت شنیدن خبر بیماری او برایم بسیار دردناک بود و همین امر منجر به یک وقفه شش ماهه در تدوین کار شد. من این کتاب را پس از اتمام به سه ناشر سپردم که متأسفانه هنوز یکی از آنها به من اعلام وصول نکرده است. ناشر دیگر هم می‌خواست که کار

موجز نوشته شود اما به دلیل حس مسئولیتی که به راوی داشتم حاضر نبودم که پاراگرافی از آن حذف شود. نویسنده کتاب دختر شینا ادامه داد: آقای سرهنگی پس از سه روز با من تماس گرفت و گفت که این کار پذیرفته شده است. به همین دلیل کتاب از سوی انتشارات سوره مهر که ناشر پرکاری هم هست منتشر شد. به نظرم خود شهید در این دسته از کارها نگاه خاصی به کتاب دارند و به ثمر رسیدن هر کدام از این آثار عنایت خود شهداست.

دیدار با رهبر انقلاب بهترین اتفاق زندگی فرزندان شهید حاج ستار بود

معصومه ابراهیمی فرزند شهید ابراهیمی دیگر سخنران این نشست بود. وی با اشاره به آشنایی‌اش با نویسنده کتاب گفت: من اولین بار خانم ضرابی‌زاده را هنگام عیادت از مادر دیدم. ایشان در آن زمان به دنبال آدم مطمئنی بودند که تایپ کتاب را به او بسپارند. که در نهایت وظیفه این امر به من موکول شد من هر روز ۱۰ صفحه از کتاب را تایپ می‌کردم. در این مدت با کتاب زندگی کردم. با وجود اینکه بارها خاطرات را از مادر شنیده بودم اما ولع داشتم ببینم انتهای کتاب چه اتفاقی می‌افتد در این خاطراتی که خواندم شهادت عمومی و مشکلاتی که خانواده‌اش پس از شهادت او تحمل کردند برایم دشوار بود.

وی افزود: نمی‌توانم تعریفی از مادرم ارائه دهم چرا که هم این کار آسان است و هم دشوار. مادرم اسوه

ضرابی‌زاده: دختر شینا
سفارشی شده از جایی
نیست برای همین کتاب
کار دلم بود و آنطور که
می‌خواستم نوشتم. من
اصلاً به عاقبت کار فکر
نمی‌کردم و فقط به
مسئولیت‌م برای نوشتن
می‌اندیشیدم. همین امر
لحظات خوبی را برایم
رقم زد. به طوری که من
مدتی با این کتاب زندگی
کردم

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

کتاب
شینا
۱۹



صبر، استقامت، نجابت و سکوت بود. شاید این کلمات در وهله اول شعار به نظر برسد اما با خواندن خاطراتش می‌توان به این نتیجه رسید.

بخش دیگر سخنان ابراهیمی به دیدار خانواده شهید ابراهیمی با رهبر معظم انقلاب اختصاص داشت. وی در این باره گفت: دو سال پیش هنگام تولد امام (رضاع) حجت الاسلام والمسلمین شیرازی نماینده رهبر معظم انقلاب در سپاه قدس با من تماس گرفت و نوید سفر کربلا برای من و دیگر فرزندان شهید را داد. در کربلا با نمایندگان رهبر انقلاب ملاقاتی داشتیم که آنها از ما خواستند که آرزویی بکنیم. ما هم گفتیم که ما امام را ندیده‌ایم اما دوست داریم چهره رهبر انقلاب را ببینیم. بعد از یک هفته از این دیدار لذت بخش‌ترین اتفاق زندگی ما رقم خورد و ما توانستیم چهره آرام رهبر معظم انقلاب آن هم در آن بحبوحه سیاسی را ببینیم.

سید عارف علوی نیز در ادامه این نشست با اشاره به مسابقه کتاب و زندگی گفت: انتخاب کتاب دختر شینا برای سومین دوره این مسابقه خیلی اتفاقی رقم خورد. ما

از گذشته از ارادتمندان حاج ستار بودیم. وی ادامه داد: دور اول مسابقه با محوریت کتاب من زنده‌ام، دور دوم با محوریت کتاب خانواده برگزار شد و دور سوم نیز این کتاب انتخاب شده است. در مدت دو دوره گذشته ما تجربه خوبی برای برگزاری مسابقه کتابخوانی در سطح ملی و رسیدن به یک سری از اهداف مانند افزایش میزان مطالعه، مطالعه مفید، افزایش تیراژ کتاب، ارزان کردن کتاب با استفاده از ظرفیت‌های آن اثر و غیره بدست آمد.

علوی به بحث کاهش قیمت کتاب اشاره کرد و یادآور شد: این امر امکان خرید را برای مردم بیشتر فراهم می‌کند هرچند معتقدم که کتاب در ایران گران نیست. اما کاهش قیمت با توجه به افزایش شمارگان می‌تواند باعث انگیزه شود. من زنده‌ام که به قیمت ۲۰ هزار تومان فروخته می‌شد در دوره نخست مسابقه با قیمت هشت هزار و ۵۰۰ تومان عرضه شد و کتاب خانواده نیز ۷۰۰ تومان ارزان‌تر از قیمت اولیه برای مخاطبان در نظر گرفته شد. کتاب دختر شینا نیز از هشت هزار و

۹۰۰ تومان به ۷ هزار و ۵۰۰ تومان کاهش قیمت دارد. پیش بینی ما در این دوره از مسابقه این است که کتاب به تیراژ ۲۰۰ هزار تایی برسد که البته امیدوارم این میزان بیشتر شود.

تمرین کار جمعی، از توفیقات مسابقه کتاب و زندگی بود

مدیر اجرایی مسابقه کتاب و زندگی ادامه داد: یکی از توفیقات مسابقه تمرین یک کار جمعی بود ما در نمایشگاه نیز این موضوع را برای رهبر معظم انقلاب توضیح دادیم و گویا این امر برای ایشان نیز جالب بود ما در این کار از فعالیت مشترک



گروه‌های مختلف فرهنگی از بسیج تا سپاه گرفته و گروه‌های خصوصی و ترویجی و توزیعی و غیره همگی کنار هم جمع شدند تا کار مشترکی را انجام دهند. ما با تمام اینها وارد مذاکره برای دسترسی آسان تر کتاب شدیم نه برای خرید کتاب چرا که دسترسی آسان یکی از تأکیدات رهبر معظم انقلاب بود.

راه‌های دریافت کتاب و شرکت در مسابقه کتاب و زندگی

وی افزود: ما در این دوره با دو شرکت توزیع عمده تریج و کتابستان وارد مذاکره شدیم که توزیع کتاب را در تهران و شهرستان‌ها انجام خواهند داد. همچنین علاقه‌مندان برای دریافت کتاب می‌توانند از روشهای دیگر مانند پیامک و یا تلفن اقدام کنند. همچنین خرید کتاب به صورت اینترنتی هم در سایت کتاب و زندگی و هم در دیگر سایت‌های مرتبط با سوره مهر وجود دارد. کتاب فروشی‌هایی که علاقه‌مند باشند نیز می‌توانند کتاب را دریافت و آن را به فروش برسانند. همه علاقه‌مندان باید کتاب‌ها را از پخش‌های تهیه کنند

علوی به میزان جایزه در نظر

گرفته شده برای این دوره اشاره کرد و گفت: پیش بینی ما این است که حداقل ۲۰۰ هزار نفر کتاب را بخزند. ما برای این دوره ۶۰ میلیون تومان جایزه از کمک هزینه به کربلا و مشهد گرفته تا کارت‌های هدیه در نظر گرفته‌ایم که اگر دستگاه‌هایی علاقه‌مند به افزایش هدیه و مشارکت در این امر باشند هدایا افزایش پیدا خواهد کرد. اختتامیه این دوره نیز چهار ماه آینده در نظر گرفته شده است.

وی در پایان سخنان خود به تیراژ کتاب‌ها در دو دوره گذشته اشاره کرد و یادآور شد: در تجربه اول کتاب نزدیک به نیم میلیون نسخه فروش رفته و در مسابقه دوم نیز تیراژ کتاب به ۱۸۵ هزار نسخه رسیده است. مشکل عمده ما در حوزه کتاب عدم معرفی کتاب است که یکی از اهداف ما در مسابقه برطرف کردن همین مشکل بوده است.

همچنین در این نشست اعلام شد که مسابقه طراحی پوستر دختر شینا برگزار خواهد شد و علاوه بر آن تیزر سینمایی این کتاب نیز پخش خواهد شد. در پایان این نشست از پوستر این دوره از مسابقه نیز با حضور خانواده شهید رونمایی شد.

سید عارف علوی: یکی از

توفیقات مسابقه تمرین

یک کار جمعی بود ما در

نمایشگاه نیز این موضوع

را برای رهبر معظم انقلاب

توضیح دادیم و گویا

این امر برای ایشان نیز

جالب بود ما در این کار از

فعالیت مشترک گروه‌های

مختلف فرهنگی از بسیج

تا سپاه گرفته و گروه‌های

خصوصی و ترویجی و

توزیعی و غیره همگی

کنار هم جمع شدند تا کار

مشترکی را انجام دهند

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب ۲۰

شینا



لذت مطالعه خندوانه‌ای با نرم افزار خط خوان

با نرم افزار کتابخوان «خط خوان»، کتاب‌های معرفی شده در برنامه «خندوانه» را به صورت دیجیتال مطالعه کنید. نرم افزار کتابخوان «خط خوان» که در کنار نرم افزار کتابخوان، به یک فروشگاه مجازی کتاب نیز مجهز است، تجربه ویژه‌ای از مطالعه را در اختیار مخاطب می‌گذارد. این نرم افزار که امکان مطالعه دیجیتال را فراهم کرده، به خوانندگان کتاب این قدرت را می‌دهد تا کتب بیشتری در یک زمان با خود همراه داشته باشند و با توجه به شرایط هر کتابی که دوست داشتند، مطالعه کنند. نرم افزار «خط خوان» دارای بخش‌های متفاوتی است که در یک بخش بسته کتاب‌های پیشنهادی را به مخاطبان عرضه می‌کند. در یکی از این بسته‌های پیشنهادی کتاب‌های معرفی شده در برنامه «خندوانه» در دسترس قرار دارد و علاقه‌مندان به مطالعه آنها می‌توانند آنها را از این فروشگاه خریداری کرده و مطالعه کنند.

یکی از ویژگی‌های مطالعه کتاب دیجیتال این است که کتاب‌هایی با قیمت کمتر را به مخاطبان عرضه می‌کند و فرد علاوه بر اینکه از لذت خواندن بهره می‌برد، هزینه کمتری نیز پرداخت می‌کند. «امید جوان» در برنامه خود دو کتاب «یک عاشقانه آرام»، به قلم نادر ابراهیمی و «جام جهانی در جوادیه»، اثر داود امیریان را به مخاطبان خود معرفی کرد و این کتابخوان نیز آنها را برای فروش روی خروجی خود قرار داد. علاقه‌مندان به تهیه کتاب می‌توانند «یک عاشقانه آرام» را با قیمت ۵ هزار تومان و «جام جهانی در جوادیه» را با قیمت ۳ هزار تومان تهیه کنند. علاقه‌مندان به دریافت این نرم افزار بر روی تلفن‌های همراه و یا تبلت می‌توانند فایل آن را از پایگاه اینترنتی «خط خوان» به صورت رایگان تهیه کنند. در این مسابقه که موسسه رسانه‌ای شیرازه همکاری فعالی داشته است، کتاب‌های معرفی شده به فروش قابل توجهی دست یافته‌اند تا جایی که «امید جوان»، مجری این برنامه، از فروش ۲۰ هزار نسخه از کتاب‌ها در هفته اول مسابقه خبر داد. در همین زمینه «حسان کریم‌خانی»، مدیر گروه راهبردی «خاک» و سازنده و پشتیبان نرم افزار «خط خوان» که سامانه فروش نسخه‌های آنلاین این دو کتاب است، درباره میزان فروش این آثار اظهار داشت: از طریق خط خوان، تا کنون، ۵۵۰۰ نسخه از این دو کتاب را فروخته‌ایم که شامل ۲ هزار نسخه برای کتاب «یک عاشقانه آرام» و ۳۵۰۰ نسخه برای کتاب «جام جهانی در جوادیه» می‌شود. وی همچنین گفت: بر اساس اطلاعات ما به واسطه استقبال مخاطبان دو ناشر برای این مسابقه اقدام به تجدید چاپ ۱۰ هزار نسخه‌ای این دو کتاب کرده‌اند که انتشارات قدیانی برای کتاب «جام جهانی در جوادیه» انتشار مجدد ۱۰ هزار نسخه دیگر را هم در دستور کار دارد.

علاوه بر این شرکت ترنج که مسئول پخش و ارسال این کتاب به دست علاقه‌مندان است، پس از ثبت سفارش و دریافت آدرس، در مدت ۴۸ ساعت کتاب را در هر کجای کشور، بدون هزینه پست برای خریداران ارسال می‌کند.



این نرم افزار که امکان
مطالعه دیجیتال را فراهم
کرده، به خوانندگان کتاب
این قدرت را می‌دهد
تا کتب بیشتری در
یک زمان با خود همراه
داشته باشند و با توجه
به شرایط هر کتابی که
دوست داشتند، مطالعه
کنند

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

کتاب
شیرازه

یادگاری‌های دختر شینا

روند شکل‌گیری و دلایل اقبال و
موفقیت‌های کتاب «دختر شینا»
از زبان «بهناز ضرابی‌زاده»



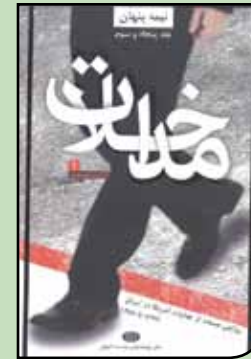
خط‌خوان نرم‌افزاری است برای
خرید، دسته‌بندی و خواندن کتاب
دیجیتال. در این ویدئو شما با
فضای خط‌خوان و امکانات کلی
آن آشنا خواهید شد.

معرفی خط خوان

ناگفته‌هایی از فراز و نشیب‌های تاریخ معاصر

عنوان: مداخلات
نویسنده: کامران غضنفری
ناشر: کیهان

تاریخ پر فراز و نشیب کشور ما، به خصوص در دوران معاصر ناگفته‌های بسیاری در سینه خود دارد. سال‌های سال ایران برای قدرت‌های خارجی همچون آمریکا و انگلیس، «جزیره ثبات» تلقی می‌شد و آنان با آسودگی خاطر به غارت و چپاول

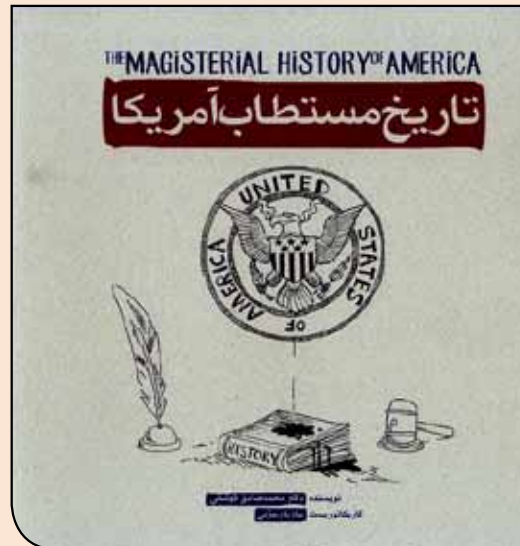


ثروت‌های این سرزمین مشغول بودند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ و سرنگونی رژیم پهلوی مهمترین متحد ایالات متحده آمریکا و غرب در منطقه خاورمیانه علاوه بر آنکه یک شوک بزرگ در عرصه بین‌الملل بود، شرایط استراتژیک خاورمیانه را دستخوش تغییرات اساسی کرد. دولت آمریکا که نتوانسته بود از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی حکومت شاه جلوگیری کند، همه توان خود را به کار گرفت تا با طراحی انواع و اقسام توطئه‌ها، نظام جمهوری اسلامی ایران را تضعیف و در نهایت ساقط کند. در این ارتباط می‌توان به طراحی کودتاهای مختلف، مسلح کردن گروه‌های تجزیه‌طلب، حمایت از گروه‌های تروریستی و... اشاره کرد. کتاب «مداخلات» که توسط مؤلف کتاب «راز قطعه‌نامه» به رشته تحریر درآمده، مروری مستند به برخی دخالت‌ها و جنایات دولت آمریکا طی ۶۰ سال اخیر در ایران دارد.

شوخی با تاریخ جدی آمریکا در «تاریخ مستطاب آمریکا»

تاریخ ایالات متحده آمریکا خیلی جدی است. آن قدر جدی که حتی بخش‌ها و قسمت‌های شوخی آن هم جدی است. تاریخ ایالات متحده آمریکا خیلی جدی است. آن قدر جدی که حتی بخش‌ها و قسمت‌های شوخی آن را هم باید جدی دانست و طبیعی است شوخی کردن با این تاریخ بسیار جدی، کار ساده‌ای نیست، چون آمریکایی‌ها برخلاف ظاهرشان بیش از حد مجاز جدی‌اند. کتاب تاریخ مستطاب آمریکا از پس

این مهم برآمده است. آن هم در حالتی که تاریخ و جغرافی و تفکر و همه چیز دیگر در آمریکا به سه موضوع اصلی و محوری باز می‌گردد: «دموکراسی»، «حقوق بشر» و «آزادی». اصولاً هیچ چیز در آمریکا نیست که به این امور مربوط نباشد. چگونگی آن باید مطالعه شود. این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی خاکریز ایمان و اندیشه در قیمت ۱۵۰۰۰ هزار تومان به چاپ



تاریخ ایالات متحده آمریکا خیلی جدی است. آن قدر جدی که حتی بخش‌ها و قسمت‌های شوخی آن را هم باید جدی دانست و طبیعی است شوخی کردن با این تاریخ بسیار جدی، کار ساده‌ای نیست، چون آمریکایی‌ها برخلاف ظاهرشان بیش از حد مجاز جدی‌اند

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

کتاب ۲۳
شهریور

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

وب‌سایت: www.manashr.ir

معرفی «دشت‌های سوزان» به بهانه ۱۲ شهریور روز ملی «مبارزه با استعمار انگلیس»

مار ماهی انگلیسی در خاک خوزستان

محمدصادق عزیزاده

درست یک‌صد سال قبل
و در سال ۱۲۹۴ شمسی
که رئیس‌علی در بوشهر
و تنگستان با متجاوزین
و نیروهای نظامی‌شان
پنجه در پنجه انداخته
بود، شاید تصورش را هم
نمی‌کرد روزی برسد که
اسمش برود لای تقویم
رسمی مملکت و یک روز
را به نام او ثبت کنند.
رئیس‌علی آن روزها
بیشتر از آنکه به فکر نام
و تقویم رسمی باشد به
فکر تنگستان و بوشهر و
خاک جنوب بود

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

کتاب ۲۴
شیرینی

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

وبسایت: WWW.MANASHR.IR

صادق کریمیار، دست‌مخاطب را می‌گیرد و او را نه در قاب تاریخ بلکه در لعاب رمان و اثر ادبی به خوزستان دوران مظفرالدین شاه قاجار و شیخ خزعل و برادرش مرغل. بعدش هم جنگ جهانی اول و آب‌های گل‌آلودی که به جوی مردم این دیار رفته و انگلیسی‌هایی که پی ماهی خود بودند. افتاده بودند

به جان خاک خوزستان و به شخم کشیدنش برای اکتشاف نفت. از یک سو با شیخ خزعل دل و قلوب می‌دادند و از سوی دیگر پی راندن خر مرادشان بودند. دستگاه‌های حفاری‌شان مثل کرم خاکی افتاده بودند به جان هویزه و خرمشهر و مسجد سلیمان و «دشت‌های سوزان» خوزستان. روی همین حساب می‌توان «دشت‌های سوزان» را نوعی ادای دین کریمیار دانست به بخشی از تاریخ پر درد مردم این دیار و رنجی که از دشنه استعمار بر گرده‌شان نشست.

رمان از اواخر دوران سلطنت ناصرالدین شاه شروع می‌شود و در گذشت شیخ جابر، بزرگ و شیخ‌المشایخ عربستان



رفت اما نامش در تاریخ ماند. ۱۲ شهریور هر سال به یاد او می‌افتم و ناسی که برای روز شهادتش انتخاب کرده‌اند: «روز ملی مبارزه با استعمار انگلیس!» مفهوم و مناسبی که به غیر از تاریخ، هنوز غریب است در سایر حوزه‌های فرهنگ و هنر این دیار. قضیه‌ای مهجور مانده مثل خیلی از قضایای دیگری که لابلای برگ‌های تاریخ معاصر می‌خورند و مردم این دیار خالقی شده‌اند. سطرهای ابتدای این متن بخش‌هایی بود از یکی از معدود آثار ادبی مکتوبی که در این فضا نوشته شده.

بو کشیدن خاک خوزستان
برای نفت

«دشت‌های سوزان»



تصورش را هم نمی‌کرد روزی برسد که اسمش برود لای تقویم رسمی مملکت و یک روز را به نام او ثبت کنند. رئیس‌علی آن روزها بیشتر از آنکه به فکر نام و تقویم رسمی باشد به فکر تنگستان و بوشهر و خاک جنوب بود. همه اینها داشت زیر پای انگلیسی‌ها به توبه کشیده می‌شد. رئیس‌علی

یک انگلیسی دیدم که فارسی نمی‌داند!» ویلسون برای جونز ترجمه کرد. جونز خندید و گفت: «به ایشان بگو من عاشق زبان فارسی هستم. فارسی شکر است. به محض بازگشت به لندن زبان شما را یاد خواهم گرفت.» ویلسون برای سیدمحمد ترجمه کرد. سید گفت: «به ایشان بفرمایید نیازی نیست! همین تعداد از شما که فارسی بلدند برای همه ایران بلکه همه بلاد اسلام کفایت می‌کند!» ویلسون جا خورد! جونز متوجه فضای سنگین جمع شد و منتظر واکنش ویلسون ماند. ویلسون مکتبی کرد و گفت: «کاش می‌دانستم چطور می‌توانم دل شما را به دست بیاورم. اهمیت دوستی با شما برای من به اندازه اهمیت اکتشاف نفت در ایران است!»

رئیس‌علی هنوز هم مهجور است

درست یک‌صد سال قبل و در سال ۱۲۹۴ شمسی که رئیس‌علی در بوشهر و تنگستان با متجاوزین و نیروهای نظامی‌شان پنجه در پنجه انداخته بود، شاید

کشتی در خرمشهر لنگر انداخته بود و مسافران در حال پیاده شدن بودند. ویلسون به بدرقه مستر جونز آمده بود. در کنار بندر هم ثامر و مسعد در انتظار سیدمحمد بودند. ویلسون در حالی که با جونز حرف می‌زد آنها را زیر نظر داشت. سیدمحمد را که دید به جونز گفت: «بیا تا با یک آدم جالب آشنا شوی!» و به سمت سید رفت: «سلام بر سیدمحمد!» سید ایستاد! ثامر مراقب بود که ویلسون بیش از حد به او نزدیک نشود. سید جواب داد: «علیکم مستر ویلسون!» ویلسون، جونز را معرفی کرد: «با مستر جونز، نماینده رسمی مستر داری آشنا شو!» سید به ویلسون گفت: «تا الان خیال می‌کردم شما نماینده تام‌الاختیار بریتانیا هستید!» ویلسون گفت: «من نماینده نظامی بریتانیای کبیر هستم!»

سید از جونز پرسید: «و شما حتما نماینده سیاسی؟!» ویلسون گفت: «ایشان فارسی بلد نیستند!» سید نیش خند زد: «از عجایب است؛ بالاخره



عجم(خوزستان). از جابر سه پسر بر جای می‌ماند؛ محمد و خزل و مزعل. بر حسب سنت جاری میان طوایف آن زمان باید محمد بر جایگاه پدر تکیه بزند که به دلایلی این امر اتفاق نمی‌افتد و مزعل پس از چندی ردای شیخ المشایخی خوزستان را بر تن می‌کند. خط اصلی داستان تقریباً از همین نقطه آغاز می‌شود. جایی که خزل با همراهی و همکاری انگلیسی‌هایی که وجب به وجب خاک خوزستان را برای نفت بو می‌کشند، می‌شود شیخ المشایخ خوزستان. اختلاف بین دو برادر از یک سو و روابط خزل با انگلیسی‌ها و موش‌هایی که بریتانیایی‌های برای منافع خود می‌دانند از سوی دیگر و عدم همراهی برخی از طوایف خوزستان از سوی سوم، اضلاع مثلی را می‌سازند که داستان دشت‌های سوزان در آن پیش می‌رود.

سَرک کشیدن به خاطرات وزیر مختار انگلیس

رمان دارای ریتم و سرعت خوبی است. چندان هم درگیر

قید و بندهای فرایندهای ذهنی میان شخصیت‌ها نیست و قصه خود را پیش می‌برد. نویسنده با شناخت خوبی که از فرهنگ و مردم خوزستان کسب کرده، به جای آنکه به مطول‌پردازی‌های رایج و بازی با کلمات بپردازد یا بخواهد تسلط خود را بر تکنیک به رخ مخاطب بکشد، آرام آرام داستان خود را پیش می‌برد و شخصیت‌ها را به خط اصلی رمان، وارد یا از آن خارج می‌کند. کتاب هرچند یک اثر ادبی است و با روایت خشک و غیرهنرمندانه تاریخی فاصله دارد با این حال نویسنده، رخس گریمپای تخیلش را هم بی امان رها نکرده تا به هر کجا که می‌خواهد سرک بکشد. کریمار تلاش زیادی داشته تا ضمن پایبند بودن به قصه‌گویی و رمان‌نویسی، زیرچشمی استنادات تاریخی را هم در نظر داشته باشد تا روایت داستانی و ادبی او از حقیقت فاصله نگیرد. خودش در این زمینه می‌گوید: «درباره کشف نفت و ماجراهای خوزستان، سند تاریخی به اندازه کافی وجود دارد. درباره قصه‌ای که در دشت‌های سوزان روایت می‌کنم سندهای تاریخی زیادی وجود دارد. هم کتاب خاطره‌های افراد مختلف و هم کارهای تاریخی مورخ‌ها را داریم. البته درباره این موضوع خاص، کتاب خاطره‌های وزیر مختار انگلیس

هم اطلاعات خوبی دارد. بین چیزهایی که برای این کار به آن دسترسی داشتیم، از تاریخ ۵۰۰ ساله خوزستان شروع کردم. خاطره‌های سرپرسی لورین را خواندم که آن زمان وزیر مختار انگلستان در ایران بود. البته کتاب سفرنامه مادام دیالوفوا هم منبع خوبی بود.»

رمان بچه محله امامزاده حسن را بخوانیم تا یادمان نرود

در این روزها که از یک سو، سالروز یک‌صد سالگی شهادت رئیس‌علی دلواری در نبرد با متجاوزان انگلیسی را پیش رو داریم و از دیگر سو، ساختمان اجر بهمنی چهارراه استانبول تهران تبدیل به محله برو و بیای مقامات انگلیسی شده، شاید بد نباشد مرور دوباره کتاب «دشت‌های سوزان» که پسر بچه محله امامزاده حسن تهران نوشته که در دهه چهل تشتک‌بازی می‌کرده. شاید بد نباشد مرور دوباره دردهایی که از یک قرن قبل به این طرف از قبل استعمار شرق و غرب به گرده‌مان نشسته. «دشت‌های سوزان» صادق کریمار که چاپ اولش، چهار سال قبل در ۳۶۲ صفحه و قیمت ۸۵۰۰ تومان به همت نشر نیستان راهی بازار کتاب شده، می‌تواند زاوی بخشی از داغ‌هایی باشد که از درفش استعمار به جان مردم این دیار نشسته است.



کریمار تلاش زیادی داشته تا ضمن پایبند

بودن به قصه‌گویی و

رمان‌نویسی، زیرچشمی

استنادات تاریخی را هم

در نظر داشته باشد تا

روایت داستانی و ادبی او

از حقیقت فاصله نگیرد.

خودش در این زمینه

می‌گوید: «درباره کشف

نفت و ماجراهای

خوزستان، سند تاریخی

به اندازه کافی وجود

دارد. درباره قصه‌ای که

در دشت‌های سوزان

روایت می‌کنم سندهای

تاریخی زیادی وجود دارد

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب ۲۵

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

خط
اخبار

از ناشران چه خبر؟

در ایران، توسط مؤسسه «الهدی» به چاپ خواهد رسید.

«قاف» بازخوانی زندگی پیامبر اسلام(ص) به قلم «یاسین حجازی» که انتشارات «شهرستان ادب» آن را منتشر کرده، راهی کتابفروشی‌ها شد.

«زینب(س) صرخهٔ اُکملت مسیره» عنوان آخرین کتاب آنتون بارا نویسندهٔ مسیحی است که پس از بیست و هفت سال از شروع تألیف آن در سال جاری توسط شرکت چاپ و نشر بین‌الملل چاپ و منتشر گردید و این ناشر متن فارسی آن را نیز با نام «زینب؛ فریاد فرمند» منتشر خواهد کرد.

کتاب «برگ‌ها»، برنده جایزه بولونیا از انتشارات کانون پرورش فکری کودک و نوجوان اثر اسماعیل سهی از مرز ۵۱۳ هزار نسخه عبور کرد

آخرین اثر مریم برادران با عنوان «ر» پس از چهارسال تحقیق و نگارش توسط انتشارات آرما به چاپ رسید و همچنین آیین رونمایی از این کتاب توسط چهره‌های سرشناس فرهنگی و سیاسی کشور در فرهنگسرای سرو برگزار گردید.

کتاب «ضیافت حقیقی» شامل سخنرانی‌های آیت‌الله «محمد شجاعی»، در آستانه عید سعید فطر توسط انتشارات «سروش» به چاپ دوم رسید.

کتاب «پندار شناسی اقدامات حزب‌الله لبنان از منظر حقوق بین‌الملل» به قلم «خیرالله پروین» و «عباس باقری» چوبه از سوی انتشارات «خرسندی» راهی بازار کتاب شد.

«انتشارات سورهٔ مهر» دفتر شعر «سنگ‌چین» مجموعه‌ای از چهارپاره‌ها و غزل‌های «سعید بیابانکی» را منتشر کرد.

انتشارات «عماد فردا» به همراه مجمع ناشران دفاع مقدس در نمایشگاه بین‌المللی کتاب مسکو ۲۰۱۵ شرکت کرد.

کتاب «امام رضا(ع) و زندگی» در عرض یک سال با تیراژی برابر با یک میلیون و ۳ هزار نسخه توسط انتشارات آستان قدس رضوی همزمان با ایام مبارک دههٔ کرامت به چاپ پنجم رسید.

کتاب «خاطرات گئورگ وارطانیان» جاسوس افسانه‌ای اتحاد جماهیر شوروی

«شرکت توزیع محصولات فرهنگی ترنج» به مناسبت سال تحصیلی جدید، تحول در ترنجستان‌های «سروش» و «بهشت» را بررسی کرد.

در این بررسی، برای عرضه لوازم تحریر ایرانی-اسلامی، بهینه‌سازی فضای فروشگاه‌ها و... نیز رایزنی شد.

«شرکت توزیع محصولات فرهنگی ترنج» نمایشگاه گردهمایی مدیران فرهنگی مساجد را در مشهد برگزار کرد.

«شرکت توزیع محصولات فرهنگی ترنج» برای بهبود بخشیدن به وضعیت فروشگاه‌ها طرحی

در ترنجستان‌های مترو تهران اجرا کرد. در این طرح به تعمیرات قفسه‌ها، آموزش فروشنده‌ها، به‌سازی چینش قفسه‌ها، تفکیک و موضوع‌بندی آثار پرداخته شد.

«شرکت توزیع محصولات فرهنگی ترنج» در نمایشگاه کتاب استانی اصفهان شرکت کرد.



«بیست و پنجمین هیئت امام‌هادی(ع) با حضور فعالین حوزهٔ نشر در دفتر مجمع ناشران انقلاب اسلامی برگزار گردید.

اولین نشست هم‌اندیشی «کتاب کودک و نوجوان» با حضور برخی از ناشران و فعالین در حوزهٔ کودک و نوجوان در مجمع ناشران انقلاب اسلامی برگزار شد.

«سومین نشست «نمایشگاه کتاب مطلوب» با محوریت «چارچوب اهداف و سیاست‌های رسیدن به نمایشگاه کتاب مطلوب» با حضور جمعی از اهالی نشر و کتاب برگزار شد.



ناشران محترمی که تمایل دارند اخبارشان در این قسمت منعکس شود، اخبار خود را به رایانامهٔ نشریه ارسال نمایند.

گپ و گفتی با مجید هادی، مدیر انتشارات پیام عدالت، یکی از پرکارترین ناشران کشور، در نشست «صبح ناشر»؛

بسیاری از ناشران به دلیل مشکل نقدینگی نمی‌توانند کتاب‌هایشان را چاپ کنند



«مجد هادی»، مدیر انتشارات پیام عدالت در بیست و نهمین نشست «صبح ناشر» که در مرکز رسانه‌ای شیرازه برگزار شد، با بیان اینکه این انتشارات در سال ۱۳۷۲ تشکیل شده است و پدر و پدر بزرگم نیز انتشارات «پیام آزادی» و «پیام محراب» را ایجاد کرده‌اند، گفت: پیام آزادی قدیمی‌ترین انتشاراتی است که فامیلم با آن در ارتباط است؛ چرا که این انتشارات از سال ۵۶ تشکیل شده است.

ناشر بود، به همین دلیل این آثار با قیمت بالا عرضه می‌شد، ولی ما کتاب‌های نفیس را با یک‌سوم قیمت سایر ناشران و با تیراژ بالا و کیفیت مناسب عرضه می‌کنیم. مدیر انتشارات «پیام عدالت» تصریح کرد: ما یک اثر نفیس را با شمارگان دوهزار و ۵۰۰ نسخه منتشر می‌شود، در حالی که شاید سایر ناشران چنین اثری را تنها با ۵۰۰ نسخه منتشر کنند؛ کتاب‌های نفیسمان هم شامل عنوانی چون قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه سجاده، دیوان حافظ، بوستان، گلستان و ... می‌شود. شاید بتوان گفت که ۶۵ تا ۷۰ درصد آثار چاپیمان کتاب‌های نفیس هستند و مابقی کتاب‌هایی است که سود چندانی ندارند؛ ولی تولید محتوای ارزشی می‌کنند. هادی ادامه داد: در حقیقت با چاپ کتاب‌های نفیس، موتور اقتصادی نشر «پیام عدالت» را روشن نگه می‌داریم و با سود مالی ناشی از چاپ این کتاب‌ها، دست به تولید محتوای دینی می‌زنیم، ما در میان

ناشران قرآنی جزو اولین ناشران در کشور هستیم؛ چرا که قرآن پالتویی را سالانه با تیراژ دویست‌هزار نسخه منتشر می‌کنیم، ولی آن جزو کتاب نفیس حساب نمی‌شود؛ علاوه بر آن نهج‌البلاغه پالتویی را امسال با بیست و پنج هزار نسخه چاپ کردیم. وی با اشاره به سی درصد باقی‌مانده آثار منتشر شده از سوی انتشارات پیام عدالت تصریح کرد: از این میزان نیز بیست و پنج درصد به آثار مذهبی و مابقی به دایرةالمعارف‌های کودکان اختصاص دارد؛ در حقیقت دایرةالمعارف‌های کودکان آثار مرجع به شمار می‌روند و وضعیتمان در حوزه کتاب‌های کودک جایگاه متوسطی است.

مدیر انتشارات «پیام عدالت» با بیان اینکه نقدینگی در فضای نشر کشور بسیار کم است و به همین دلیل ناشران یکی یکی با مشکلات زیادی روبه‌رو شده و در حقیقت پر می‌زنند، گفت: بسیاری از ناشران کتابی برای چاپ ندارند و یا بسیار کم کتاب دارند؛ چرا که ناشران

نقدینگی ندارند که بخواهند کتاب تولید کنند و علاوه بر آن سرمایه‌ای نیز که برای چاپ کتاب صرف می‌شود، باز نمی‌گردد. هادی ادامه داد: در حال حاضر ما بیش از ده هزار صفحه کتاب آماده چاپ داریم، اما سؤال اینجاست که اگر ما یا هر ناشر دیگری اثری را تولید کردیم و خریداری نشود، چه می‌شود؟ به همین دلیل بنابراین نقدینگی باید با روش‌های مناسب به کار ناشران تزریق شود.

وی با بیان اینکه ما سه سال پیش در نمایشگاه قرآن صدوبیست میلیون تومان فروش داشته‌ایم، تصریح کرد: با اینکه آن زمان تعداد عناوین کمتری داشتیم، ولی در نمایشگاه امسال بیست میلیون تومان فروش داشتیم و این یعنی فاجعه؛ با این حال ما وضعیت نسبتاً خوبی را در بین ناشران داریم؛ همچنین در دو غرفه صدوچهل میلیون تومان فروش داشتیم، ولی امسال تنها شصت و پنج میلیون تومان اثر فروختیم.

مدیر انتشارات «پیام عدالت» اظهار داشت: سال‌های پیش، وزارت ارشاد از ناشران کتاب می‌خرید و این کار را در میان ناشران زیادی هم انجام می‌داد. اما امروز از ناشران کمتری و با رقم پنجاه نسخه خرید می‌کند؛ در حالی که پیش‌تر این کار را با رقم حداقل دویست نسخه کتاب انجام می‌داد. وقتی ناشران نقدینگی ندارد، انگیزه هم ندارند.

هادی با بیان اینکه در شرایط فعلی نقدینگی بازار نشر سه اولویت وجود دارد، افزود: اول نقدینگی، دوم همکاری با مراکز پخش قوی و سوم این که هر ناشری بتواند یک فضای حداقل دوازده مترمربعی از محیط کارش را به کتابفروشی تبدیل کند. وی خاطر نشان کرد: ما برای اینکه در نمایشگاه کتاب شرکت نکنیم، مشکلی نداریم و کتاب‌هایمان را در طول سال در کتابفروشی‌ها عرضه می‌کنیم، ولی ناشرانی را داریم که این کار برایشان مفید نیست و مشکلشان بر سر پنج میلیون تومان نقدینگی است.

در شرایط فعلی، بازار

نشر سه اولویت دارد:

اول نقدینگی، دوم

همکاری با مراکز پخش

قوی و سوم این که هر

ناشری بتواند یک فضای

حداقل دوازده مترمربعی

از محیط کارش را به

کتابفروشی تبدیل کند

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب ۲۷

شیرازی

مسئله‌ای به نام «تکثیر و توزیع غیرقانونی کتاب»!

لیلا منصوری

«تکثیر غیرقانونی» کتاب و تکثیر «کتاب غیرقانونی»، هر دو از دغدغه‌های مهم امروز کشورند که هر یک آسیب‌های مالی و معنوی خود را به دنبال دارد. در سال‌های متمادی، که صنعت نشر با این معضلات روبروست، همواره ناشران و فعالین فرهنگی از دیدگاه‌های متفاوتی به بررسی این معضلات پرداخته‌اند. متن زیر گزارشی است مختصر از آنچه دغدغه‌مندان این حوزه روایت کرده‌اند. در این گزارش بسیاری از عوامل مؤثر در حوزه نشر درباره علل و چرایی چاپ غیرقانونی کتاب، راهکارهای مقابله و حل آن و... اظهار نظر کرده‌اند.



در چند سال آینده چیزی از ناشر و نشر در جامعه باقی نمی‌ماند

امروزه کتاب‌های بسیاری بدون اجازه ناشر آن و با هدف بهره‌برداری اقتصادی به چاپ می‌رسد. «علی اکبر تورانیان»، مدیر انتشارات شهرآب، که یکی از دغدغه‌هایش چاپ غیرقانونی کتاب در دانشگاه‌هاست، می‌گوید «به عقیده من با شدتی که این کار انجام می‌شود، ظرف چند سال آینده خواهیم دید که چیزی از ناشر و نشر در جامعه باقی نمانده است و چون هیچ اقدام بازدارنده‌ای در مقابل این افراد صورت نگرفته است، ناشران هیچ رغبتی به تولید کتاب جدید ندارند و حتی برای تجدید چاپ کتاب‌هایی که تولید کرده‌اند، انگیزه‌هایشان را از دست داده‌اند.»



وزارت ارشاد باید ورودی قاطع به این عرصه داشته باشد

حجت‌الاسلام «سید علی طاهری»، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، می‌گوید «چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب ناشران مختلف را با مشکلات فرهنگی و اقتصادی بسیاری روبرو کرده است. به همین علت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید ورود قاطعی به این عرصه داشته باشد.»



کتاب‌های پر فروش هدف قاچاقچیان کتاب

«محمود آموزگار»، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران که مسئولیتی جدی در رابطه با برخورد با این مسئله بر عهده دارد، با اشاره به ضرر و زیان‌هایی

که ناشران از انتشار غیرقانونی کتاب‌هایشان متحمل می‌شوند، می‌گوید «در میان کتاب‌هایی که یک ناشر منتشر می‌کند، معمولاً ده درصد کتاب‌ها به چاپ‌های بالاتر می‌رسند و اگر ناشر سرپا می‌ماند، با فروش این دسته از کتاب‌هاست. وقتی همین کتاب‌ها در چرخه غیرقانونی نشر منتشر می‌شوند، اولین نتیجه‌اش این است که فروش ناشر افت می‌کند و این زیان و خسارتی است که به ناشر و مؤلف کتاب وارد می‌شود.»

یک ناشر تهرانی نیز با یک حساب سرانگشتی در خصوص هزینه و درآمد چاپ برای ناشر و نویسنده می‌گوید «از هر پنج کتابی که یک ناشر روانه بازار می‌کند، شاید یکی از آن‌ها پر فروش باشد و همه سود هم روی همان یک کتاب محاسبه می‌شود و فاجعه زمانی رخ می‌دهد که قاچاقچی دقیقاً جعل همان یک کتاب پر فروش را هدف‌گذاری می‌کند.»

قاچاق کتاب موضوع تازه‌ای نیست

«عرفان پور»، مدیر نشر «علوم دانشگاهی» نیز می‌گوید «قاچاق کتاب موضوع تازه‌ای نیست. البته نباید این معضل را از منظر سیاسی بررسی کرد. از سال ۱۳۶۰ که وارد کار کتاب شدم، این مشکل صنفی وجود داشته است، در آن زمان کتاب‌ها به صورت افست فروخته و با تخفیف‌های بیشتر فروخته می‌شد و آثار در چند سال اخیر، به دلیل توسعه حوزه نشر و انتشار کتاب‌های درسی و نیز محدودیت‌هایی که وزارت ارشاد برای چاپ مجدد برخی کتاب‌ها ایجاد کرده است، این معضل تشدید شده است.»

حجت‌الاسلام سید علی طاهری: چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب ناشران مختلف را با مشکلات فرهنگی و اقتصادی بسیاری روبرو کرده است. به همین علت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید ورود قاطعی به این عرصه داشته باشد

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

۲۸
شهریور

بعضاً کتاب‌ها بدون اعمال ممیزی چاپ می‌شوند

اما آیا «چاپ غیرقانونی کتاب» منحصر در چاپ بدون اجازه کتاب‌های پر فروش است؟ «رضا قریبی»، مدیر انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، می‌گوید «جریان معارض انقلاب اسلامی کتاب‌هایی را که مخالف جریان انقلاب است، غیرقانونی چاپ می‌کنند». این یعنی برخی کتاب‌ها نیز بدون مجوز وزارت ارشاد به چاپ می‌رسند.

ناشر دیگری معتقد است «برخی کتاب‌هایی که قبلاً مجوز انتشار گرفته‌اند و برای چاپ‌های بعدی تنها با انجام یک سری اصلاحات اجازه نشر دارند، دوباره به همان صورت قبلی منتشر می‌شوند و حتی برخی از کتاب‌ها هم پس از ارجاع به وزارت ارشاد برای دریافت مجوز، یک سری ممیزی به آن‌ها تعلق می‌گیرد، اما کتاب بدون اعمال این ممیزی‌ها چاپ می‌شود. این دست مسائل، علاوه بر ضربه اقتصادی، ضربات فرهنگی جدی‌ای را هم می‌تواند وارد کند».

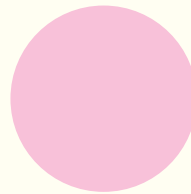
«محمود آموزگار» می‌گوید

«گاهی ناشر مستقیماً مرتکب تخلف می‌شود؛ یعنی ممکن است اعلام وصول برای کتابی را از ارشاد دریافت نکرده باشد و در ادامه کتاب را توزیع کند، در صورتی که ناشر تا این جواز را نگرفته، نمی‌تواند کتاب را توزیع کند. مجوز اعلام وصول هم برای این ارائه می‌شود تا ارشاد بداند همان کتابی را که مجوز داده در حال توزیع است تا در این صورت نظارت‌ها تکمیل شود، اگر ناشری بدون اعلام وصول اقدام به توزیع کند، باید پرونده ناشر به هیئت رسیدگی به تخلفات ارجاع شود.»



چاپ کتاب بدون مجوز جرم است

مضاف بر آثار سوء اقتصادی و فرهنگی، این مسئله به لحاظ قضایی نیز جرم به حساب آمده و مستوجب مجازات است. نماینده مردم گرگان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه اگر کتابی بدون داشتن مجوز چاپ شود، جرم است، می‌گوید «توسعه فرهنگی و معنوی جامعه، تنها در راستای ابزارهای فرهنگی قانونی امکان‌پذیر است.»



تاکنون اقدام مؤثری صورت نگرفته است

با توجه به این مشکل و نکاتی که ناشران و اهالی کتاب در این



وزارت ارشاد باید رسیدگی کند

«سید حسن میرکریمی» مدیر «چاپ و نشر بین‌الملل» نیز کار نظارت بر چاپ و نشر غیرقانونی کتاب را وظیفه وزارت ارشاد می‌داند. او می‌گوید «وزارت ارشاد همان‌گونه که بررسی و بقیه مسائل مربوط به نشر و کتاب را برعهده دارد و به آنها رسیدگی می‌کند، باید با تخلفات و این شکل جرایم که برای نشر زیان‌آور و آسیب‌زا نیز هست، رسیدگی کرده و پیگیری لازم را به‌عمل بیاورد.»



در حوزه کتاب خلاء قانونی داریم

«سید مرتضی حسینی»، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی خبرگزاری خانه ملت، با بیان اینکه تکثیر غیرقانونی کتاب منجر به ورشکستگی ناشران خواهد شد،

رابطه می‌گویند، به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از این مسئله باید در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیگیری شود. حجت‌الاسلام «سید علی طاهری»، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگویی درباره تکثیر غیرقانونی کتب توسط برخی ناشران می‌گوید «وزارتخانه بر اساس وظیفه‌ای که دارد، نباید اجازه فعالیت و نشر این گونه کتاب‌ها را بدهد». در سال ۹۱ نیز عضو هیئت رئیسه فراکسیون مدیریت شهری و روستایی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگویی با خبرگزاری خانه ملت، بر ضرورت وجود یک هیئت فعال برای نظارت بر ضوابط چاپ و نشر کتاب تأکید می‌کند. او معتقد است تاکنون اقدام مؤثری که بتوانند، این موضوع را از دستور کار مجلس و فعالین فرهنگی خارج کند، صورت نگرفته است. «پزشکی»، مدیر نشر «عماد فردا» نیز در مورد مجموع عواملی که در روند کنترل چاپ و نشر غیرقانونی کتاب مؤثرند، می‌گوید «نمی‌توان گفت که یک مجموعه خاص باید این موارد را کنترل کند، بلکه مجموعه عوامل و نهادها هستند که در این کار یعنی کنترل و جلوگیری از چاپ و نشر غیرقانونی کتاب مؤثرند، اما وزارت ارشاد به‌عنوان نقطه اتکای این مجموعه و فضای به‌وجود آمده باید باشد.»

«رضا قریبی»: جریان معارض انقلاب اسلامی کتاب‌هایی را که مخالف جریان انقلاب است، غیرقانونی چاپ می‌کنند این یعنی برخی کتاب‌ها نیز بدون مجوز وزارت ارشاد به چاپ می‌رسند

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

کتاب
۲۹

می‌گوید «متأسفانه طی چند سال اخیر، تکثیر و چاپ غیرقانونی کتاب، مخصوصاً کتب دانشگاهی، افزایش یافته است و لازم است با این مسئله برخورد شود. البته ما در مجلس کار اجرایی نمی‌کنیم، اما اگر گزارش رسمی مبنی بر ادامه روند تکثیر و چاپ کتب به‌صورت غیرقانونی به دست کمیسیون فرهنگی برسد، به‌طور قطع تذکر جدی به مسئولان خواهیم داد.»

عضو دیگر کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به نقص قوانین نظارت بر چاپ و نشر کتاب اشاره می‌کند و می‌گوید «به اعتقاد من در حوزه کتاب خلأهای قانونی وجود دارد که باید این قوانین وضع شود. به‌ویژه آن که کتاب‌هایی که از وزارت ارشاد مجوز می‌گیرند، علاوه بر محتوا، به لحاظ ساختار و قالب هم باید حداقل‌هایی را رعایت کنند، اما همین خلأهای قانونی موجب شده که برخی کتاب‌ها با قالب‌ها و ساختارهای ضعیف چاپ و منتشر شوند. بنابراین ضروری است که قوانینی وجود داشته باشد تا مؤلفان و ناشران علاوه بر رعایت مواردی به لحاظ محتوایی، قالب را هم رعایت کنند.»



این کتاب‌ها در خیابان انقلاب چاپ می‌شوند

برخی چاپ کتاب‌های غیرقانونی‌ای را که ضدفرهنگ و ضددین هستند، اینگونه توجیه می‌کنند که این کتاب‌ها در داخل به چاپ نمی‌رسند و در کشورهای همسایه مثل افغانستان به چاپ رسیده و سپس به‌صورت قاچاق وارد ایران می‌شوند. اما افلاان حوزه نشر معتقد هستند که نه چاپخانه‌های کشور افغانستان ظرفیت چنین کاری دارند و نه اساساً چنین کاری نسبت به راه‌های ارزان‌تر موجود از نظر اقتصادی به‌صرفه است. لذا این کتاب‌ها به‌صورت مخفیانه در کشور خودمان منتشر شود و بعد با چو انداختن این سناریو که در افغانستان چاپ شده است، خیلی راحت احتمال پیگیری منبع چاپ کتاب را از ذهن مسئولان خارج می‌کنند

«شریعتی»، مدیر نشر «عرفان»، از ناشران افغان می‌گوید «اینکه می‌گویند این کتاب‌ها در داخل افغانستان چاپ می‌شود، درست نیست. اینها در داخل ایران چاپ می‌شود و زینک افغانستان را بر روی آن می‌زنند. این کتاب‌ها در همین خیابان انقلاب چاپ می‌شوند.»

هیچ گاه اقدام محکم قانونی برای برخورد با قاچاقچیان کتاب و آثار فرهنگی صورت نگرفته است

با این اوصاف به‌نظر می‌رسد هنوز عزم جدی برای برخورد با این مسئله به‌وجود نیامده است. روزنامه «قانون» در این باره می‌نویسد «روند قاچاق کتاب و محصولات فرهنگی این روزها به‌حدی شدت گرفته که برای برخی ناشران خطر ورشکستگی را به دنبال دارد. گرچه این معضل دیرینه است، اما به دلیل اینکه از سال‌های گذشته تاکنون هیچ‌گاه اقدام محکم قانونی برای برخورد با قاچاقچیان کتاب و آثار فرهنگی صورت نگرفته است، این پدیده به اشکال گوناگون بالای جان ناشران در کشور شده است. هر چند

اردیبهشت ماه امسال «علی جنتی»، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در مصاحبه‌ای گفته بود که برای برخورد با قاچاقچیان کتاب ستاد حمایت و صیانت آثار فرهنگی وجود دارد و کارش این است که با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط با قاچاق کتاب و لوح‌های فشرده و سرقت ادبی برخورد کند، اما به نظر می‌رسد یا برخوردی صورت نگرفته و یا چندان کارساز نبوده است. در آن مصاحبه «علی جنتی» گفته بود که ستاد حمایت و صیانت آثار فرهنگی وجود دارد و کارش این است که با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط با قاچاق کتاب و لوح‌های فشرده و سرقت ادبی برخورد کند. این ستاد تاکنون مثلاً با موردی که بیش از نُه‌هزار کتاب غیرقانونی تکثیر و عرضه کرده، برخورد کرده است و در صورتی که از موارد مطلع شوند، با آن‌ها برخورد می‌کنند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره دست‌فروشی کتاب در گوشه خیابان نیز اظهار کرده بود «متأسفانه فروش کتاب‌ها در خیابان گسترده شده و برخورد با آن‌ها نیز دشوار است. باید این دست‌فروشان کتاب که عمدتاً در خیابان انقلاب و جلوی دانشگاه حضور دارند، شناسایی و به مأموران انتظامی معرفی شوند تا با آن‌ها برخورد شود. البته برخورد با آن‌ها هم دشوار است چون دست‌فروش هستند و در صورت مواجهه با مأموران زود کتاب‌های خود را در ساکی جمع می‌کنند و می‌برند»



نظارتی بر چاپخانه‌ها صورت نمی‌گیرد

در کنار اینها، برخی از ناشران خواستار نظارت جدی بر چاپخانه‌ها و همچنین سامان دادن اوضاع توزیع کتاب در کشور هستند. «علی‌اکبر توریان»، عضو هیئت مدیره مجمع ناشران انقلاب اسلامی و مدیر انتشارات شهرآب، یکی از علل رشد تکثیر غیرقانونی کتاب را عدم نظارت بر چاپخانه‌ها و چاپ دیجیتال می‌داند. او در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس می‌گوید «متأسفانه بر چاپخانه‌ها نظارتی صورت نمی‌گیرد. حوزه‌های چاپ دیجیتال سازماندهی شده نیست و کنترل و نظارتی بر کار آن‌ها نیست و این مراکز کتاب‌ها را بدون مجوز و اجازه ناشر تکثیر می‌کنند»

«رضا قریبی» نیز علاوه بر اینکه کم‌کاری نهادهای دولتی را از دلایل این اتفاق می‌داند، می‌گوید «یکی از دلایل این اتفاق عدم نظارت بر وضعیت موجود می‌باشد. دستگاه‌هایی که به‌عنوان دستگاه‌های متولی هستند، باید رسیدگی لازم و کافی را انجام دهند»

سید مرتضی حسینی:

متأسفانه طی چند

سال اخیر، تکثیر

و چاپ غیرقانونی

کتاب، مخصوصاً کتب

دانشگاهی، افزایش

یافته است و لازم است

با این مسئله برخورد

شود. البته ما در مجلس

کار اجرایی نمی‌کنیم،

اما اگر گزارش رسمی

مبنی بر ادامه روند تکثیر

و چاپ کتب به‌صورت

غیرقانونی به دست

کمیسیون فرهنگی برسد،

به‌طور قطع تذکر جدی

به مسئولان خواهیم داد

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

۳۰ کتاب



مسئولین اقدام به موقع و به جایی صورت نداده اند

«سید حسن میرکریمی» در گفتگو با نسیم، دلایلی مثل تساهل مسئولین، هوشمند نبودن سیستم، حساسیت نشان ندادن نسبت به این گونه اقدامات و چاپ این گونه کتب و به طور کلی، مسئولینی که باید به موقع و به جا اقدام کنند که متأسفانه اقدام به جا و پیگیرانه‌ای در این زمینه انجام نداده اند، از عوامل گسترش چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب می‌داند. «محمد عزیزی»، مدیر نشر «روزگار»، در گفتگو با «منانشر»، به روند موجود انتقاد کرده و می‌گوید «دولت و دستگاه‌های دولتی را در این امر مقصر و مسئول می‌دانم، چرا که نهادهای دولتی در موارد دیگر نشان داده‌اند که توانایی مبارزه با هر گونه خلاف و جلوگیری از آن را دارند، برایشان کار سختی نیست که بفهمند این کتاب‌ها کجا و چگونه چاپ و در کنار خیابان به این راحتی فروخته می‌شود. مسئله، سختی کار نیست، مسئله این است که مسئولین نسبت به این اوضاع بی تفاوتند.»



توزیع کنندگان در این مسئله مؤثرند

«نورانیان» به نقش مراکز پخش کتاب نیز اشاره کرده و می‌گوید «مراکز پخش در کشور ما سازماندهی شده و دارای پروانه و جواز نیستند و اگر مراکز پخش ساماندهی شوند، می‌توان بر کار آن‌ها کنترل بهتری داشت.»

«قرببی» نیز سیستم پخش را در این مسئله مؤثر می‌داند و می‌گوید «برای مثال یک طلای دزدی را اگر بخواهند به طلافروشی‌ای بفروشند، هیچ طلافروشی خریدارش نیست. حال همین کار را اگر کتابفروشی‌ها انجام بدهند، یعنی همه‌جا اعلام کنند که کتابشان به سرقت رفته است، دیگر کسی آن کتاب را خریداری نمی‌کند. همان گونه که عتیقه‌هایی که دزدیده می‌شوند، از موزه‌ها در داخل مشتری ندارند و خریداری ندارند کتاب‌هایی هم که غیرقانونی چاپ می‌شوند، اگر تدابیر صحیح اندیشیده شود، خریداری ندارند. یکی از عمده‌دلائل چاپ و نشر غیرقانونی کتاب این است که در داخل مشتری دارد و ایراد از این است که ناشر و کتابفروش اعلام نمی‌کند که کتاب به سرقت رفته است. کم‌کاری نهادهای دولتی نیز موجب این امر شده است، چرا که سابقه نشان داده است نهادهای دولتی جایی که بخواهند وارد شوند، به راحتی می‌توانند کنترل امور را در دست گرفته و مسائل را رفع و رجوع کنند. من فکر می‌کنم به خاطر دچار شدن وزارت ارشاد به روزمرگی، وضعیت کتاب دچار رهاشدگی شده است و این اصلاً خوب نیست.»



صنف باید وارد این عرصه شود

برخی از ناشران معتقدند که «اصناف» نشر باید با جدیت وارد این عرصه شوند و برخورد قاطع داشته باشند. «محمود آموزگار»، رئیس هیئت مدیره اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، به عنوان رئیس یکی از این تشکل‌های صنفی کشور، در رابطه با این مطالبه صنفی ناشران می‌گوید «متأسفانه بخشی از این موضوع در کتابفروشی‌ها انجام می‌شود، اما آن بخشی که عضو اتحادیه هستند، اگر از آن‌ها گزارشی به ما واصل شود، برخورد می‌کنیم البته بازرسی‌هایی داریم که این مراتب را کنترل می‌کنند.» و بر همین اساس باید کتابفروشان بیشتری به عضویت اتحادیه درآیند تا نظارت بر آنها انجام شود. او می‌گوید «باید شرایط و اوضاع را فراهم کنیم تا تعداد کسانی که اقدام به این جرم می‌کنند و کم هم نیستند بیشتر نشوند. باید ترتیبی اتخاذ شود که آنهایی که عضو اتحادیه هم نیستند، به عضویت درآیند تا نظارت جامع صورت گیرد.» «هومان حسن‌پور»، عضو هیئت مدیره اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، نیز عزم

اتحادیه را در برخورد با این آفت صنعت نشر جدی و قاطع عنوان می‌کند و می‌گوید «اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، به عنوان یک نهاد صنفی که باید حافظ منافع اعضاء و زیرگروه‌های خود باشد، در برخورد با معضل چاپ و تکثیر غیرقانونی کتاب ناشران کاملاً جدی و مصمم است. این مشکل به واقع یک آفت برای کتاب و نشر کشور است که تأثیرات منفی زیادی بر این صنعت می‌گذارد.»



با سایت‌های عرضه غیرقانونی کتاب دیجیتال برخورد شود

دسته‌ای از فعالان عرصه کتاب، از توزیع بی حساب کتاب‌های دیجیتال از طریق سایت‌های غیرقانونی و بی مجوز شکایت دارند. مدیر انتشارات «رسباران» از عدم نظارت دستگاه‌های ذی ربط بر توزیع کتب به صورت دیجیتال می‌گوید. او معتقد است «با توسعه دانشگاه‌ها و نشر کتاب‌های دانشگاهی، از چند سال گذشته تاکنون، قاچاق این نوع کتاب‌ها نیز به دلیل تقاضای زیاد در بازار رواج یافته



محمد عزیزی: دولت

و دستگاه‌های دولتی

را در چاپ غیرقانونی

کتاب مقصر و مسئول

می‌دانم، چرا که نهادهای

دولتی در موارد دیگر

نشان داده‌اند که توانایی

مبارزه با هر گونه خلاف و

جلوگیری از آن را دارند،

برایشان کار سختی

نیست که بفهمند این

کتاب‌ها کجا و چگونه

چاپ و در کنار خیابان

به این راحتی فروخته

می‌شود

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب ۳۱

شهریور

است. پدیده جدید و اسفناک‌تر نیز فروش کتاب به‌صورت آنلاین و دیجیتالی است. نکته جالب اینجاست؛ سایت‌هایی که به‌صورت غیرقانونی اقدام به فروش دیجیتالی کتاب‌هایی می‌کنند که حداقل یک سال برای انتشار آن زحمت کشیده شده است، خودشان درخواست رعایت کپی‌رایت هر آنچه را که در سایت خود گذاشته‌اند، از مردم و کاربران دارند.»

«آموزگار»، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، نیز در برنامه «گفت‌وگوی فرهنگی» رادیو گفت‌وگو به نگرانی ناشران از عرضه بی‌اجازه کتاب‌های الکترونیک‌شان اشاره می‌کند و می‌گوید «نشر دیجیتال ادامه نشر کاغذی است و نمی‌توان این دو را به صورت منفک از هم بررسی کرد، یعنی اگر نشر کاغذی به کفایتی در تولید برسد، می‌تواند نشر دیجیتال را بر روی پایه‌های مطمئن پیش ببرد.» او سپس به نگرانی ناشران می‌پردازد که «کنون نشر کاغذی ما دچار مشکلات فراوانی در بحث توزیع و عرضه است و شاید در نگاه اول اینگونه به ذهن متبادر شود که استفاده از فضای مجازی می‌تواند خلاء را پُر کند، اما چیزی که باعث بیم و نگرانی ناشران کاغذی می‌شود، حذف حقوق دارندگان و پدیدآورندگان ناشران در فضای مجازی است.»



نبود سیستم مناسب توزیع مزید بر علت شده است

«پزشکی»، مدیر نشر «عماد فردا»، نیز یکی از دلایلی را که مزید بر علت چاپ غیرقانونی کتاب شده است، نبود سیستم مناسب عرضه و توزیع می‌داند. او در این باره می‌گوید «ما در کل کشور سه‌هزار کتابفروشی داریم و این کمبود کتابفروشی و نبود محلی مناسب برای عرضه کتاب یکی از موجبات قاچاق کتاب را فراهم می‌آورد. چرا که کسی که به چاپ و نشر غیرقانونی کتاب می‌پردازد، نسبت به حجم و موضوع کتابی که در دست مردم قرار می‌دهد، قیمت ارزانی برای عرضه دارد و مردم مقایسه می‌کنند و می‌بینند که آنچه در کتابفروشی‌ها ناشران چاپ کرده‌اند، گران‌تر است، پس از همین‌ها خریداری می‌کنند. در صورتی که اگر برای مردم، این فرآیند نشر و فضای عملیاتی حوزه نشر شفاف‌سازی شود، بهتر می‌توانند قضاوت کنند و آگاهانه به خریداری کتاب‌ها بپردازند.»



بر خورد با متخلفین باید جدی و بدون مسامحه باشد

بسیاری از ناشران خواهان برخورد قاطع و جدی و بدون مسامحه با متخلفین در مورد تولید و عرضه کتاب‌های غیرقانونی هستند. «سعید عالم‌گیر»، مدیر نشر «محمد(ص)»، می‌گوید «اگر یک ساندویچ‌فروش به مردم سیانور عرضه کرد، آیا دولت می‌آید و در برخورد با او، سیانورهایش را از او می‌گیرد یا کل مغازه‌اش را پلمپ می‌کند؟ در مورد کتاب هم همین است. کسی که کتابی را به‌صورت غیرقانونی عرضه می‌کند، باید با برخورد جدی روبرو شود و نه اینکه فقط کتاب‌هایش را از او بگیرند.» اما «محمود آموزگار» می‌گوید «مراتب برخورد با متخلفین متفاوت است. ابتدا با تذکر و در ادامه، برخوردهای دیگر برای عدم ارتکاب مجدد اعمال می‌کنیم، اما همواره توصیه می‌کنیم که [کتابفروشان] از اصالت فاکتورها ابتدا اطمینان حاصل کنند و نسبت به کتاب‌های غیرقانونی اقدام نکنند.

در کنار موارد مذکور، نیروی انتظامی ضابط اجرایی این قضایا است. نیروی انتظامی قوانین مربوط به این تخلف را پیگیری و اعمال قانون می‌کند.»



برای این مسئله باید فرهنگ‌سازی کرد

بسیاری از صاحب‌نظران، یک راهکار مهم برای مقابله با تکثیر و توزیع غیرقانونی کتاب را «فرهنگ‌سازی» می‌دانند. «علی‌اکبر تورانین»، عضو هیئت مدیره مجمع ناشران انقلاب

اسلامی، معتقد است «برای جلوگیری از این پدیده باید فرهنگ‌سازی همه‌جانبه‌ای صورت بگیرد. اقداماتی مانند تشکیل نشست‌ها و... همچنین صداوسیما و شخصیت‌های فرهنگی می‌بایست به این فرهنگ‌سازی کمک کنند و این حرکت زشت را که ماحصل تلاش یک ناشر و نویسند را به تاراج می‌برد، متهم کنند. کمیسیون فرهنگی مجلس هم باید در این زمینه وارد شود. به نظر من امروز هیچ ناشری حاشیه امن ندارد. مسئولان فرهنگی، ائمه جمعه و جماعات، مراجع عظام تقلید باید مردم را از غیرقانونی و غیرشرعی بودن کار آگاه کنند و این آگاهی به حدی برسد که اگر کسی این تولید غیرقانونی را انجام داد، کسی حاضر به خرید آن کتاب نشود و بدانند که این کارها سرقت است.

گاهی بعضی استادان بی‌آنکه کسی احساس گناه کنند و با تصور اینکه فکر می‌کنند، کار صوابی انجام می‌دهند فصل‌هایی از کتاب را کپی می‌کنند و در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند که ناشی ناآگاهی نسبت به عمل خلاف و دزدی آشکارشان است.» یک ناشر دیگر در این رابطه می‌گوید «در حوزه اطلاع‌رسانی نسبت به این مسئله کم‌کاری شده است و در حال حاضر بسیاری از افراد جامعه، به‌خصوص دانشجویان و دانشگاہیان از ابعاد این کار اطلاعی ندارند.»

مدیر نشر عماد فردا: ما

در کل کشور سه‌هزار

کتابفروشی داریم و

این کمبود کتابفروشی

و نبود محلی مناسب

برای عرضه کتاب یکی

از موجبات قاچاق کتاب

را فراهم می‌آورد. چرا

که کسی که به چاپ و

نشر غیرقانونی کتاب

می‌پردازد، نسبت به

حجم و موضوع کتابی

که در دست مردم قرار

می‌دهد، قیمت ارزانی

برای عرضه دارد

دوره جدید، شماره سوم

شهریور ۱۳۹۴

کتاب ۳۲

درباره معکوس شدن
روند قاچاق کتاب بین ایران
و افغانستان؛

آن قدر این ظرفیت را جدی نمی گیریم تا به تهدید تبدیل شود

محمدرضا شهبازی

توجه نکردن به مزیت‌های نسبی در تعاملات فرهنگی و تن ندادن به عملیات‌های جهادی فرهنگی توسط مدیران فرهنگی عواقبی دارد که مجرای قاچاق کتاب از ایران به افغانستان و حالا از افغانستان به ایران تنها یکی از آنهاست.

حوزه تمدنی زبان فارسی ظرفیتی را پیش روی مدیریت فرهنگی ایران قرار داده بود که بی‌توجهی به آن نه تنها موجب هز رفتن این ظرفیت، که حالا باعث تبدیل شدن آن به تهدید شده است. هم‌زمانی مردم ایران، افغانستان و تاجیکستان و همچنین رواج کم و بیش زبان فارسی در چند کشور دیگر، این امکان را برای ایران فراهم می‌نمود تا با حذف بسیاری از هزینه‌های مادی و زمانی، بتوانند به تبادل فرهنگی با این کشورها و تاثیرگذاری بر شاخص‌های فرهنگی آنها اقدام کنند. ارسال محصولات فرهنگی اعم از کتاب، مجله، فیلم، نرم‌افزار و ... به این کشورها از سوی ایران می‌توانست بدون نیاز به ترجمه

انجام پذیرد. این بدین معنی بود که ایران می‌توانست در زمانی کمتر و با صرف هزینه‌ای بسیار کمتر از سایر کشورها بازار فرهنگی افغانستان و... را تسخیر کند.

از سوی دیگر، بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی انقلابی بودند که در صورت تسهیل شرایط می‌توانستند به صورت مردمی و بدون نیاز به انداختن بار اجرایی به دوش دولت، نسبت به این کار اقدام کنند و محصولات فرهنگی جبهه فرهنگی انقلاب را در کشورهای حوزه تمدنی زبان فارسی توزیع نمایند.

اما حالا کشورهای متخاصمی که خیلی بیش از ایران باید برای حضور در بازارهای فرهنگی افغانستان هزینه کنند، توانست‌اند به این هدف دست پیدا کنند و افعال مدیران فرهنگی ایران نه تنها باعث از بین رفتن این ظرفیت، که موجب تبدیل آن به یک تهدید شده است.

طبق گزارشی که سایت تابناک منتشر کرده، پیش از این عنوان شده بود روزانه ۵ کامیون کتاب به افغانستان قاچاق می‌شود که در هر سال بیش از ۱۸۰۰ کامیون کتاب قاچاق است که آماری بسیاری نجومی و عجیب است و اگر فرض را بر این بگذاریم که هر کامیون تنها پنج هزار نسخه کتاب را حمل می‌کند، عدد نجومی ۹ میلیون نسخه به دست می‌آید!

در واقع همان چیزی که در بالا گفته شد دلیل ایجاد این جریان قاچاق کتاب از ایران به افغانستان بوده است. حال آنکه ایجاد یک



با مزیت‌های نسبی ما هم‌خوانی بیشتری داشته باشد، به این مورد اضافه کنیم، آینده نه‌چندان روشن حاصل از فعالیت‌های مدیران فرهنگی را می‌بینیم؛ مدیریتی که هر دولتی هم سر کار باشد، عکس گرفتن در نمایشگاه فرانکفورت و پُر دادن با توهم حضور در بازار جهانی کتاب را به ارتباط مؤثر با بازارهای چند صد میلیونی کتاب‌خوان‌های علاقه‌مند به ادبیات فارسی و فرهنگ ایران ترجیح می‌دهد. و جالب آنکه هر سال هم به محض برگشتن از فرانکفورت، دست‌های خالی‌اش را از خجالت در جیب می‌کند و برای فرار از پاسخگویی، پهنه‌های مختلفی مثل کپی‌رایت و ... می‌تراشد.

منبع: هفت‌راه

مجرای صحیح و قانونی باعث می‌شد تا رافع عطش بازار این کشور به کتب ایرانی، با قوت گرفتن اقتصاد بازار نشر ایران همراه باشد. اما این اتفاق نیفتاد تا بعد از مدتی حالا روند قاچاق معکوس هم بشود! ماجرای قاچاق یک کتاب مبتذل به ایران از افغانستان که جدیداً بسیار خبرساز شده است از شواهد این امر است. حالا اگر دست و پا زدن مدیران فرهنگی برای حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت که اصلاً زمین بازی ما نیست و غافل شدن از نمایشگاه‌هایی مانند نمایشگاه کتاب دهلی را هم که از نظر نوع برگزاری و شباهتش با نمایشگاه کتاب تهران و همچنین علاقه مردم هند به ادبیات و فرهنگ ایران، می‌تواند

پیش از این عنوان شده
بود روزانه ۵ کامیون
کتاب به افغانستان
قاچاق می‌شود که در
هر سال بیش از ۱۸۰۰
کامیون کتاب قاچاق
است که آماری بسیاری
نجومی و عجیب است
و اگر فرض را بر این
بگذاریم که هر کامیون
تنها پنج هزار نسخه
کتاب را حمل می‌کند،
عدد نجومی ۹ میلیون
نسخه به دست می‌آید!

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

شماره ۳۳
کتاب

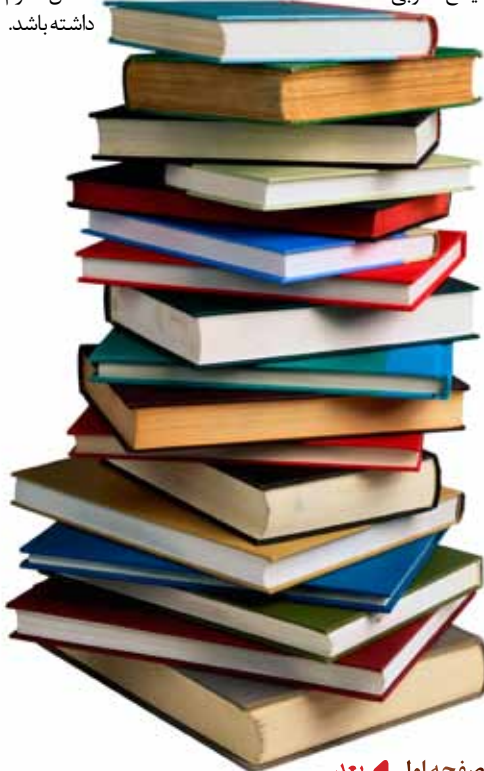
آیا شیوه‌های فروش کتاب را بلدیم؟

مصطفی وثوق کیا

«بازار کتاب در رکود»، «کتابفروشی‌ها در حال ورشکستگی»، «کسی دیگر کتاب نمی‌خرد»، «تعطیلی کتابفروشی باسابقه تهران»، «آمار تأسفبار پایین سرانه مطالعه»، «چرا مردم کتاب نمی‌خوانند» و بسیاری از تیرهای اینچینی در چند ماه اخیر در روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها، مجلات و حتی بخش‌های خبری سیما به چشم می‌خورد و همگان در حالی مأیوسانه می‌خواهند نکات موردنظر خودشان را القا کنند و صدا البته مخاطبان‌شان را تحریک تا کمک کنند تا این اتفاق رخ ندهد. عمده نتیجه‌گیری‌ها هم در پایان این مطالب و گزارش‌ها عمدتاً به این مسئله ختم می‌شود که مردم ایران «کتابخوان» هستند و صدا البته دولت باید به این قشر فرهنگی کمک کند تا بتوانند روی پای خودشان بایستند.

کمک‌کننده باشند. در شرایطی که مردم کتاب را از سید خرید خود کنار گذاشته‌اند، تجربه نشان داده است که این گروه‌ها می‌توانند ترغیب‌کننده مردم به سمت کتاب باشند، هر چند که موقتی و کوتاه باشد، استمرار این حرکت می‌تواند در طولانی‌مدت کمک‌کننده باشد. امروزه بسیاری از ورزشکاران و هنرمندان در شبکه‌های اجتماعی دارای صفحه هستند و هزاران نفر نیز صفحات آنان را دنبال می‌کنند، ولی متأسفانه کمتر اثری از معرفی کتاب در این صفحات هست. هر چند این صفحات شخصی است، مرجعیت این چهره‌ها باعث می‌شود که مردم آثار معرفی شده توسط آنان را نیز دنبال کنند. یک مثال ساده: سال‌ها یکی از نقدها به برنامه‌های تلویزیونی این بود که کتاب حلقه مفقوده آن است و در سریال‌های پرمخاطب اثری از کتاب حتی به صورت نمادین نیز وجود ندارد. حال برنامه‌ای در یکی از شبکه‌های رسانه ملی در حال پخش است که همتی مضاعف برای معرفی کتاب گذاشته و هر از چند گاهی کتابی را به مردم معرفی می‌کند. معرفی که گاهی زمان آن دو دقیقه است، اما همین دو دقیقه توانسته این کتاب‌ها را به چاپ‌های متعدد برساند. این اتفاق کوتاه ولی مبارک نشان‌دهنده نقش گروه‌های مرجع در ترویج کتاب و کتابخوانی است و حالا در ادامه‌اش مسابقه‌ای کتابخوانی برگزار می‌شود و نتیجه

آن حتی اگر توجه مردم به جوایز مادی آن باشد، مبارک و میمون است و ثمرات آن نصیب مردم، نویسنده، ناشر، کتابفروش و در یک کلام راه افتادن چرخه نشر است، هر چند به صورت موقتی. شاید این نوشتار طولانی با ابتدای مطلب قرابتی نداشت، اما باید گفت در شرایطی که اعلام می‌شود کتابفروشی‌ها در حال تعطیلی است، باید دلیلی غیر از کتاب نخواندن مردم برای آن طلب کرد. شاید بسیاری از این کتابفروشی‌ها برای کتاب خود تبلیغ خوبی



قبل ▶ صفحه اول ◀ بعد



در شرایطی که اعلام می‌شود کتابفروشی‌ها در حال تعطیلی است، باید دلیلی غیر از کتاب نخواندن مردم برای آن طلب کرد. شاید بسیاری از این کتابفروشی‌ها برای کتاب خود تبلیغ خوبی نمی‌کنند و از شیوه‌های جدید معرفی کتاب به مخاطب غفلت دارند و فکر می‌کنند با روش‌های دهه ۴۰ می‌توان کتابی را به مخاطب فروخت

دوره جدید، شماره سوم
شهریور ۱۳۹۴

شیرازی کتاب ۳۴

| مجمع ناشران انقلاب اسلامی

وب‌سایت: WWW.MANASHIR.IR

صاحب امتیاز: مجمع ناشران انقلاب اسلامی
مدیر مسئول: یاسر احمدوند
سر دبیر: حسین شاهمرادی
دبیر تحریریه و امور هنری: عباس محبعلی
اعضای تحریریه: نیلوفر هوشمند، لیلا منصوری
مصطفی وثوق کیا، محمدرضا شهپازی، محمد حق
محمدصادق علیزاده و حسام آبنوس

شیرازه با افتخار مطالب شما عزیزان را برای استفاده در نشریه «شیرازه کتاب» و تارنمای مناشر می پذیرد.
تلفن: ۶۶۹۷۶۴۸۲
نشانی: تهران، خیابان انقلاب خیابان شهدای ژاندارمری پلاک ۱۴۰
رایانامه: info@mananashr.ir
تارنما: mananashr.ir

مسابقه بزرگ کتابخوانی دختر شینا

روش های تهیه کتاب

فروشگاه های کتاب و محصولات فرهنگی سراسر کشور
ارسال عدد ۳ به سامانه پیامکی ۱۰۰۰۱۶۶۱
خرید اینترنتی از درگاه
ketabzendegi.ir
خرید نسخه الکترونیک کتاب از درگاه
khatkhan.com
مراکز توزیع عمده کتاب:
شرکت ترنج: ۰۲۱۶۶۹۸۰۴۲۲
کتابستان: ۰۲۵۳۱۰۷۴

همراه با مدها جایزه ارزنده

جایزه استثنایی لذت مطالعه کتاب

گاهی می آمد نزدیک نزدیک! در گوشم
می گفت: «قدم! زودباش بچه ها را بزرگ
کن! سر و سامان بده! زود باش! چقدر طولش
می دهی! باید زودتر از اینجا برویم! فقط
منتظر تو هستم! خیلی وقت است اینجا
نشسته ام! به جان خودت قدم، این با تهایی
به بهشت نمی روم! دستت را به من بده!
بچه ها را هشان را بلدند! جلوتر! بقیه راه را
باید با هم برویم...»

